



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه‌شنبه ( ۸ ) اسفند ماه ۱۳۳۶

فهرست مطالب :

- |   |  |
|---|--|
| برنامه راجع به برنامه چهارم عمرانی کشور .   | ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .                    |
| ۴ - تصویب صورت جلسه ۵-ای صبح و عصر یکشنبه ششم اسفندماه .                              | ۲ - بیانات قبل از دستور بانو جهانبانی و بانو تربیت . |
| ۵ - ادامه مذاکره در گزارش شورای اول کمیسیون برنامه راجع به برنامه چهارم عمرانی کشور . | ۳ - ادامه مذاکره در گزارش شورای اول کمیسیون          |
| ۶ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه .  |  |

مجلس ساعت نه صبح بریاست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید

غائبین بی‌اجازه - آقایان :

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

دکتر امامی خوئی - پرویزی - طباطبائی - رضوی - رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

دکتر رفیعی - فروتن

( بشرح زیر خوانده شد )

غائبین مریض - آقایان :

غائبین با اجازه - آقایان :

ادیب سمعی - بختیار بختیارها - اصولی - اولیاء -

کریم بخش سعیدی - معزی - دکتر بهمانی -

مهندس برومند - بهادری - پزشکی - دیبیم - مهندس

نوناس - دکتر رضوانی - سرتیپ پور - دکتر حمید اللهی -

زنجانی - دکتر عدل - فضائی - فیاض - قاضی زاده -

جناب - مهندس اخوان - غلام نیکان - شهرستانی -

مجتبی - دکتر معتمدوزیری - آموزگار

مهندس یار محمدی - مهندس بریمانی - دکتر بهبودی -

۲ - بیانات قبل از دستور بانو جهانبانی و بانو تربیت

دکتریت منصور - پوربابائی - سلیمانی کاشانی - معظمی -

رئیس - نطقهای قبل از دستور را شروع میکنیم

دکتر موفقی - دکتر وفا -

خانم شوکت ملک جهانبانی تشریف بیاورند

**خانم جهانبانی** - درود و سیاس بی پایان رهبر عالیقدر ایران شاهنشاه آریا مهر آزادی بخش زنان ایران

با اجازه مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی.

بعضی از روزها بقدری در خاطر انسان نقش مینهند که در شمارگر آنها ترین و عزیزترین خاطرات بشمار میروند از آن جمله است برای ما زنان غرور آفرین روز هشتم اسفند، شك نیست که برای همه آزاد شدگان راه انقلاب ششم بهمن خاطراتی بسیار مقدس و فراموش نشدنی دارد و مردم ایران از بهمن ۴۶ زندگمی نورینی را آغاز کردند برای ما زنان علاوه بر ششم بهمن هشتم اسفند نیز روز پیرروزی، روز ملی، روز زندگمی نوین است هر وقت بیاد میآورم که در این روز (۸ اسفند ۴۱) هزاران زن در حالی که از شدت شوق و هیجان فریاد میزدند در کاخ مرمر جمع شده بودند و سیخو استند از نزدیک رهبر عالیقدر خود، شاهنشاه آریا مهر را زیارت کنند و مراتب سیاستگزاری خود را بعرض پیشگاه مبارکشان برسانند و لسی از شدت تعجب و شادی و غرور ملی موجباتی فراهم شده بود که هیچکس قادر به ادای کلمه ای نبود کلمات در چشم پرخسار همه خواننده میشد همه متعجب بودند از رسیدن بحقوق حقه خود که تصورش را نمینمودند و در خواب نمیدیدند شاد و مسرور بودند از رسیدن بحقی که سالهای متمادی آرزوی زن ایرانی بوده است و چه بسیار زنانیکه از دنیا رخت بر بستند و به آرزوهای ملی خویش نرسیدند اجازه فرمائید امروز از این مکان مقدس درود بی پایان خود را بروح پرفروشان تقدیم دارم زنان غرور ملی در مقابل جامعه زنان دنیا و افتخار بوجود رهبری چنین دانا و توانا در آنروز تاریخی یافتند در کاخ مرمر وقتی اطراف خود را نگرستم دیدم نه تنها باغ کاخ مرمر مملو از جمعیت است بلکه از خیابانهای اطراف صدای جمعیت، صدای شادی صدای تحسین نفلک میرسد در این هنگام بود که پنجره کاخ مرمر باز شد و شاهنشاه آریا مهر چون صبح امید و خورشید تابان و ماه درخشان در آستانه پنجره ظاهر شدند و در حالیکه لبخندی حاکی از رضایت بلب داشتند خطاب بزنان فرمایشات مفصلی فرمودند که هر زنی وظیفه دارد

بیش از یکسال و نیم از پیدایش شورای زنان حزب ایران نوین نمیگذرد ولی در این مدت کوتاه افتخار آنرا دارد که دو سمینار ترتیب داده که یکی از آنها مفتخر بشرفی فرمائی علیاً حضرت شهبانو برای افتتاح سمینار بود و در قطعنامه آن بدولت حزبی توصیه شد طبق اصل سوم برنامه حزب ایران نوین برای حمایت از خانواده ها لایحه ای بمجلس شورای ملی تقدیم دارد و خود شما نمایندگان محترم آن لایحه را بصورت قانونی بساز

مترقی، تصویب فرمودید و امروز هزاران خانواده از مزایای قانونی و انسانی آن بهره مند میشوند

سمینار دوم مربوط به بررسی وضع زنان کارمند بود که در دیماه جاری برگزار شد و علاوه بر تهران از سایر نقاط کشور نیز نمایندگان زنان بمرکز آمدند و با شرکت مساعی کلیه آنان در کمیسیونها قطعنامه بسیار ارزنده ای تدوین شد بدولت ابلاغ گردید و در قطعنامه گذشته انقلاب اداری نیز به خواسته های موضوع نظرنامه سمینار زنان کارمند ترتیب اثر داده شد برای پیشرفت خواهرانمان در کلیه شؤون اجتماعی علاوه بر گسترش شورا برای زنان روشنفکر در این مدت گذشته در جنوب شهر کمیونی هم آنان امین آباد شرق تهران شیراز گفتنک شیراز - ساری - بابل - آمل - کرج - خرمشهر - آبادان - اهواز - رشت - کرمان شعب شورا را تشکیل دادیم علاوه بر اینها تا خرداد امسال به پنج شهرستان دیگر خواهیم رفت و شعب شورا را گسترش خواهیم داد. شورای زنان همه جا برای خواهران خود مراکز کار و کوشش ایجاد نموده است و مینماید برنامه ها را برای زنان رونق اقتصادی مدارس حرفه و کار دانش سیاسی و بهداشت و کمکهای اولیه و تفهیم قوانین است در زمانی کمتر از شش ماه با عده بسیاری داوطلب این کار نفس را آغاز خواهیم کرد این مطالب بیشتر مربوط زنان روستائی است و انجام این وظایف بعهد زنان شهری است که باید انجام شود در دست اقدام است میسر دیگر خواهیم گذاشت زنان ایران نیروی انسانی خود را بهتر بدهند زیرا زن عروسک نیست بلکه نیمی از نیروی قوه کشور است بحکم آنکه مادر دانا توانا پرورد روز خوشی، نخواهیم گذاشت جوانان آینده ما احیاناً در دامن مادران نادرست تربیت شوند ما هسته مرکزی را که زن خانواده است در نظر گرفته ایم و با انجام یکسک برنامه کوتاه مدت و کم خرج وبدون سروصدا و هیاهو شما با کمک حزب ایران نوین بدولت حزبی که در شیب در طبع شورای زنان که بمناسبت هشتم اسفند منعقد بود جناب آقای هوبدا وعده همه گونه مساعدت را در این راه

فرمودند خواهران خود را در هر نقطه از کشور که باشند بکاروان برقی خواهیم رسانید (احسنت - احسنت).

**رئیس** - خانم تربیت تشریف بیاورید

**بانو تربیت** - با عرض تشکر از مقام ریاست عرض میکنم که همکار عزیز بنده سرکار خانم جهانبانی در باره اهمیت روز تاریخی هشتم اسفند بیانات مبسوط و جامعی ایراد فرمودند. همکاران عزیز تصدیق میفرمایند که در زندگمی مال گاهی روزهای تابناکی هست که ما نندستاره های درخشانی در افق زندگمی آن ملتها نور افشانی میکنند، روز هشتم اسفند هم یکی از آن روزهای پر عظمت تاریخی است که عظمت این روز را نسلهای آینده بهتر درک خواهند کرد ما همه میدانیم مخصوصاً امثال بنده که سالیان درازی است که در راه خدمت به طبقه نسوان و خدمت به جامعه زنان زحماتی میکشیدیم و متحمل ناامیابمائی میشدیم نشیب و فرازهائی میدیدیم هرگز تصور نمیکردیم که به این آسانی بتوانیم به این حق بزرگ نائل شویم متأسفانه وقت ضیق است که بنده بتوانم تاریخ نهضت زنان دنیا را که چه زحماتی کشیده اند و چه جور انواع و اقسام مشقات را متحمل شده اند از پشت این تربیون بعرض همکاران عزیزم برسانم واقعا سالها طول میکشد. این حق را زنان دنیایه آسانی بدست بیاورده اند زنانی بودند که به زندانها رفتند و سالیان متمادی زحماتی کشیدند اشخاصیکه به انگلستان ولندن تشریف برداند در میدان و بکتوریا مجسمه زنی را بنام اولین یانکر سن مینهند که این زن شاید بیش از ده مرتبه بزندان رفته و چهل سال متوالی در این راه زحمت کشیده تا بتواند حقوق اجتماعی و سیاسی زنان دنیا را بدست بیاورد اما ما زنان ایران سیاست گزار خداوند هستیم که با همت شجاعانه یگانه ناجی بزرگ ایران و بنیان گذار ایران نوین اعلیحضرت رضاشاه کبیر نسیم جانبخش آزادی بکلید افسرده زنان ایران دمیداز آن تاریخ زنان ایرانی جان تازه ای گرفتند و به تحصیلات عالی ادامه دادند و در تمام شؤونات اجتماعی دوشادوش مردان فعالیتهای اجتماعی کردند ولی همیشه احساس کمبودی میکردند و آن احساس این بود که آنها دستشان از شمشیر کت در شئون اجتماعی و سیاسی کشور کوتاه بود تا اینکه روز

تاریخی ششم بهمن ماه فرارسید، روزی عظیم و پر افتخار برای ایران، در آن روزملتی باشرکت در رفرا آدم صحنه میگذشت، بمنشور انقلابی که رهبر توانای ایران در راه پیشرفت و تعالی ایران ارائه داده بود، زندهای ایران تاصبح آن روز خیر نداشته و اطلاع نداشتند که ما هم میتوانیم در این رفرا آدم شرکت کنیم، همینکه صبح ساعت ۶ رادیو خبر داد، جنبش عظیمی در میان زنان ایران پدیدار شد و همه بهم دیگر تلفن میزدند و به جنب و جوش افتادند، خلاصه نه تنها در شهر تهران بلکه در تمام شهرستانها پیش از سیصد هزار نفر زن توانستند در رفرا آدم شرکت کنند، چون منشور انقلاب هدفش مقدس و عالی و برای پیشرفت کشور ایران بود، علی الخصوص ماده پنجم منشور که اصلاح قانون انتخابات بود نویدی میداد به زنان ایران که آنها هم خواهند توانست در این امر مقدس ملی شرکت کنند، ولی همکاران عزیز ما بازم باور نمیکردیم تا اینکه روز هفتم اسفند فرارسید روزی که اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در کفرانس اقتصادی که در تالار مجلس سنا منعقد شده بود و ایشان تشریف فرما شدند و در آنجا درباره جهش اقتصادی کشور بیاناتی فرمودند و بزرگترین توجه ایشان به نیروی انسانی بود در همانجا بود که اعلیحضرت همایونی این مطلب را فرمودند «آخرین ننگ اجتماعی ایران را انشاءالله در انتخابات آینده بر طرف خواهیم کرد و قاطبه اهالی این مملکت و هر يك از افراد اهالی این مملکت برای تعیین و انتخاب سرنوش خودشان در انتخابات ایران شرکت خواهند کرد» اگر بدانید در آن روز چقدر زنان ایران احساس سرور و شادی کردند، همینطور که سرکار خانم جهانیانی فرمودند از هر سو هجوم آوردند و کاخ مرمر را مانند حلقه نگیین احاطه کردند آن دقیقه ای که اعلیحضرت همایونی در بالکن ظاهر شدند صدای جاوید شاه زنده باد شاهنشاه آریامهر، زنده باد شاهنشاه نجات دهنده ملت ایران از هر سو به عیوق میرسید شاهنشاه بزرگ ما اهمیت و عظمت این اقدام بزرگ تاریخی را بیان فرمودند که در روزنامهها مندرج بوده و آقایان خوانندگند، اما بنده میخواهم در اینجا بیک مطلب مخصوصی اشاره کنم و وظیفه زنان ایران و مردان ایران در

قبال این عظمت انقلاب چیست مهمترین وظیفه مادرك این عظمت و درك واحساس مسئولیت است، بنا به فحوای الناس علی دین ملوکهم ما باید با تمام جدیت و با تمام کوشش سعی کنیم که این انقلاب را به ثمر برسانیم، در کنگره انقلاب اداری جناب آقای نخست وزیر بیک مطلب بسیار دلنشین فرمودند که واقعا به قلب همه نشست و آن مطلب این بود که هر انقلاب مخصوصاً انقلاب اداری لازمه انقلاب اخلاقی است، انقلاب اخلاقی این است که زنان ایران و مردان ایران باید بایک روحیه قوی و با بیک روحیه تازه و بایک روحیه فعال سعی کنند و جدیت بخرج بدهند که این انقلاب را بشمار برسانند در اینجا لایحه بزرگی که بزنان ایران نوید میدهد که در این خدمت بیش از پیش موفق خواهند شد بزودی مطرح خواهد شد و آن لایحه خدمات فرهنگی و اجتماعی زنان است که حزب انقلابی ما و دولت حزبی ما تقدیم مجلس نموده است، تا کنون دختران جوان مادران این اشتیاق میسوخندند که آنها هم مانند پسران جوان در قسمت دانش و در قسمت بهداشت و در قسمت عمران و آبادانی بتوانند بکنور خود خدمت کنند اگر همکاران عزیز این لایحه را مطالعه فرموده باشند میبینند که این اشتیاق نسل جوان زنان ایران کاملاً برآورده شده است و در سایه همین لایحه که قریباً انشاءالله بتصویب مجلس خواهد رسید دخترهای ما هم دوشادوش پسران ما خواهند توانست پرچم انقلاب را تا اقصی نقاط کشور تا روستاها پیش ببرند و مخصوصاً سعی و جدیت کنند که زنان ایران هم از نعمت سواد و از نعمت دانش که پرچم مبارزه آنرا شاهنشاه عظیم الشان ما بدوش گرفته اند بهره مند شوند و موفق باشند، این تحول اجتماعی بترقیات جامعه زنان ایران کمک بزرگی خواهد کرد، خانها و آقایان عزیز وقتی بحوزه های انتخابیه خودشان تشریف میبرند میبینند که واقعا احتیاج شدیدی هست که دختران ما هم تحصیل بکنند ولی ما به اندازه کافی معلم نداریم، به بدبداشت خانواده ها کمک شود ولی ما به اندازه کافی خانهای نداریم در خانه داری و در عمران و آبادانی کشور آنها را یاری کنند بنده امیدوار هستم هر روزی که از زندگانی ما میگذرد ما از این انقلابی که در تحت لوای اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر نصیب ملت ایران شده و ملت ما خوش و ذکوات ایران هم این

مسئولیت را اعم از زن و مرد درك کرده و هر روز بیش از پیش سعی خواهند نمود که انشاءالله آریامهر برسانند (انشاءالله - احسنت) انشاءالله بیاری خداوند متعال در این کار موفق خواهیم شد (احسنت)

#### ۲- ادامه مذاکره در گزارش شور اول کمیسیون

##### برنامه راجع بر نامه عمرانی چهارم کشور

رئیس - وارد دستور میشویم کلیات لایحه عمرانی چهارم مطرح است آقای صائب بفرمائید.

صائب - در جلسه قبل فشرده شده ای از اوضاع و احوال گذشته را عرض کردم و مختصری نیز در این باره عرض میفرمایم که بدانیم چه بودیم و چه داشتیم و چه بر ما میگذشت و بجهت دلیلی سازمان برنامه بوجود آمد و چگونه برنامه های اجرا شد و اشکال کار چه بود مواجه با چه مشکلاتی شد که نتوانست موفقیتهای کامل بدست آورد از مطالب جلسه قبل چنین نتیجه گرفتیم که شاهنشاه آریامهر در جاسترین دقایق تاریخ و علیرغم اثرات و عواقب ناشی از جنگ مصمم شدند که کار توسعه و تکامل اجتماعی ملت خویش را دنبال فرمایند (صحیح است) و کوششهای دامنه داری جهت تنظیم یک برنامه عظیم عمرانی و آبادانی آغاز گردید که نتیجه این مطالعات و کوششها منجر با اقدامات اساسی و اصولی گردید که هم ملت ایران میدانند و هم جهانیان و آن آثار فائدل علینا از جمله امر به تنظیم و تدوین و اجرای اولین برنامه هفت ساله عمرانی فرمودند که در سال ۱۳۲۷ از طرف مجلس شورای ملی بتصویب رسید.

در آن موقع بعضی معتقد بودند با اجرای برنامه بود کشور بهشت برین خواهد شد معدودی نیز با نظر منیبی مانند هر وقت سازمان برنامه را دستگاه زائد و یول برده و بیکاره گفتند ولی هر دو پیش بینی غلط از آب درآمد و بقول مسئولین مربوط برنامه اول ضمن انجام خدمتی چندان موفقیتی نداشت مهمترین اشکال در تدوین و نظارت آن آمار دقیق و صحیح از نیروی انسانی و منابع طبیعی و قدرتهای اقتصادی کشور بود. قانون مزبور شامل شش صلب مبلغ بیست و یک میلیارد ریال بر آورده شده بود فنی از نظر اجرا در این مدت اجرا شد و قسمت دیگر عملت و کارهای سیاسی و مخصوصاً قطع عواید نفت متوقف ماند

محدود و بقیه ای شد بد اقتصادی شدیدترین وجهی ما را تهدید میکرد در چنین شرایطی مدت اولین برنامه عمرانی بیابان رسید و در هشتم اسفند ماه ۱۳۳۴ برنامه هفت ساله دوم بتصویب مجلس شورای ملی رسید: اعتبارات اولیه که ضمن این قانون بتصویب رسید بالغ بر هفتاد میلیارد ریال بود که مبلغ ۱۷/۲ میلیارد ریال آن مربوط به تعهدات طرحهای نیمه تمام برنامه عمرانی هفت ساله اول و ۵۲/۸ میلیارد ریال بقیه برای اجرای طرحهای عمرانی جدید در نظر گرفته شد در همین موقع دولت متوجه شد که اعتبارات مزبور برای انجام برنامه های پیش بینی شده کافی نیست و مجبوری از تکمیل جلسه قبل چنین نتیجه گرفتیم که شاهنشاه آریامهر در جاسترین دقایق تاریخ و علیرغم اثرات و عواقب ناشی از جنگ مصمم شدند که کار توسعه و تکامل اجتماعی ملت خویش را دنبال فرمایند (صحیح است) و کوششهای دامنه داری جهت تنظیم یک برنامه عظیم عمرانی و آبادانی آغاز گردید که نتیجه این مطالعات و کوششها منجر با اقدامات اساسی و اصولی گردید که هم ملت ایران میدانند و هم جهانیان و آن آثار فائدل علینا از جمله امر به تنظیم و تدوین و اجرای اولین برنامه هفت ساله عمرانی فرمودند که در سال ۱۳۲۷ از طرف مجلس شورای ملی بتصویب رسید.

در آن موقع بعضی معتقد بودند با اجرای برنامه بود کشور بهشت برین خواهد شد معدودی نیز با نظر منیبی مانند هر وقت سازمان برنامه را دستگاه زائد و یول برده و بیکاره گفتند ولی هر دو پیش بینی غلط از آب درآمد و بقول مسئولین مربوط برنامه اول ضمن انجام خدمتی چندان موفقیتی نداشت مهمترین اشکال در تدوین و نظارت آن آمار دقیق و صحیح از نیروی انسانی و منابع طبیعی و قدرتهای اقتصادی کشور بود. قانون مزبور شامل شش صلب مبلغ بیست و یک میلیارد ریال بر آورده شده بود فنی از نظر اجرا در این مدت اجرا شد و قسمت دیگر عملت و کارهای سیاسی و مخصوصاً قطع عواید نفت متوقف ماند

بشماری که حتی وجوه برنامه صرف بودجه مستمر دولت گردید این وضع تا سال ۱۳۳۳ ادامه داشت و درآمد ارزی کشور در این مدت کاهش یافت و ترقی شدید قیمتها چهره غمناک خود را نشان داد بطوریکه طی سه سال از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۳ هزینه زندگی ۳۳ درصد ترقی نموده بود و محدودیتهای شدید اقتصادی شدیدترین وجهی ما را تهدید میکرد در چنین شرایطی مدت اولین برنامه عمرانی بیابان رسید و در هشتم اسفند ماه ۱۳۳۴ برنامه هفت ساله دوم بتصویب مجلس شورای ملی رسید: اعتبارات اولیه که ضمن این قانون بتصویب رسید بالغ بر هفتاد میلیارد ریال بود که مبلغ ۱۷/۲ میلیارد ریال آن مربوط به تعهدات طرحهای نیمه تمام برنامه عمرانی هفت ساله اول و ۵۲/۸ میلیارد ریال بقیه برای اجرای طرحهای عمرانی جدید در نظر گرفته شد در همین موقع دولت متوجه شد که اعتبارات مزبور برای انجام برنامه های پیش بینی شده کافی نیست و مجبوری از تکمیل جلسه قبل چنین نتیجه گرفتیم که شاهنشاه آریامهر در جاسترین دقایق تاریخ و علیرغم اثرات و عواقب ناشی از جنگ مصمم شدند که کار توسعه و تکامل اجتماعی ملت خویش را دنبال فرمایند (صحیح است) و کوششهای دامنه داری جهت تنظیم یک برنامه عظیم عمرانی و آبادانی آغاز گردید که نتیجه این مطالعات و کوششها منجر با اقدامات اساسی و اصولی گردید که هم ملت ایران میدانند و هم جهانیان و آن آثار فائدل علینا از جمله امر به تنظیم و تدوین و اجرای اولین برنامه هفت ساله عمرانی فرمودند که در سال ۱۳۲۷ از طرف مجلس شورای ملی بتصویب رسید.

در آن موقع بعضی معتقد بودند با اجرای برنامه بود کشور بهشت برین خواهد شد معدودی نیز با نظر منیبی مانند هر وقت سازمان برنامه را دستگاه زائد و یول برده و بیکاره گفتند ولی هر دو پیش بینی غلط از آب درآمد و بقول مسئولین مربوط برنامه اول ضمن انجام خدمتی چندان موفقیتی نداشت مهمترین اشکال در تدوین و نظارت آن آمار دقیق و صحیح از نیروی انسانی و منابع طبیعی و قدرتهای اقتصادی کشور بود. قانون مزبور شامل شش صلب مبلغ بیست و یک میلیارد ریال بر آورده شده بود فنی از نظر اجرا در این مدت اجرا شد و قسمت دیگر عملت و کارهای سیاسی و مخصوصاً قطع عواید نفت متوقف ماند

تهدات ارزی و وامهای خارجی که توسط مؤسسات دولتی بدون توجه به برگشت و تاریخ پرداخت که آنهم در اثر عدم هماهنگی بین دستگاهها بوجود آمده بود در سال ۱۳۳۸ بتدریج سر رسید اقطاع آنها شروع شد و مشکلاتی را فراهم ساخت که شمه ای از آن عرض شد ولی کم کم در مدت اجرای برنامه عمرانی دوم بودجه عادی دولت در نتیجه افزایش سر بیع درآمد حاصله از نفت و همچنین درآمد عمومی افزایش یافت بطوریکه در برنامه دوم با کوششهای عظیمی که در رشته های مختلف بعمل آمد ضمن موفقیتها در بعضی از جنبه ها

توانست هدف های پیش بینی شده برسد و ناچار قسمتی از پروژه ها به برنامه سوم موکول گردید موضوعی که در گزارش پایان برنامه دوم جلب توجه میکند یکی از اشکالات عمده برنامه دوم را عدم همکاری واقعی و تفاهم کامل بین سازمان برنامه و دستگاه های دولتی ذکر میکنند هیئت دولت در آبان ماه ۱۳۴۱ برنامه عمرانی سوم کشور را تصویب نمود و از اول سال ۴۲ بر نامه پنج ساله سوم با ۱۴۵۰ میلیارد ریال شروع شد و بعداً در سال ۱۳۴۳ بدویست میلیارد ریال افزایش یافت شانسى که در این برنامه نصیب مجریان برنامه سوم شد تقارن اجرا با انقلاب سفید شاه و ملت بود سیاست مستقل ملی، ثبات و آرامش بی سابقه علاقمندی کارگران بازریاد تولید و کشاورزان به ازدیاد محصولات و اطمینان کامل بخش خصوصی سرمایه گذاری و عوامل مساعد دیگری که در نتیجه انقلاب بوجود آمده بود موفقیت های قابل توجهی بدست آمد بطوریکه میزان رشد اقتصادی کشور در سال جاری به ۱۱ درصد رسید (صحیح است) این سرعت رشد نه تنها در تاریخ اقتصادی ایران بلکه در میان کشورهای در حال توسعه جهان نیز بی سابقه میباشد تنها بخش خصوصی در سال ۱۳۴۵ بیش از ۲۸ میلیارد ریال سرمایه گذاری نمود و این خود نشانه بارزی است از اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران بوضع ثبات اقتصادی کشور. از لحاظ ارزش پولی هم بطوریکه آمریکا بین المللی نشان میدهد بیست کشور از چهل و پنج کشور جهان ثلث قدرت خرید خود را در ده سال اخیر از دست داده اند از جمله دلار که مهمترین ذخیره جهان محسوب میگردد در ده سال اخیر بطور متوسط ۱/۸ درصد قدرت آن کاهش یافته که تازه این میزان در بین پول های کشورهای مهم صنعتی جهان کمترین تنزل محسوب میگردد دولتی خوشبختانه کشور ایران در بین کشورهای جهان تنها مملکتی است که در سال گذشته با وجود بر خورداری از رشد اقتصادی قابل توجه در مقابله با سیستم پولی کشورهای دیگر نه فقط ارزش پول آن کاهش نیافته بلکه در حدود ۰.۴٪ نیز افزایش پیدا کرده است (صحیح است).

در اینجا صحبت شد که بعضی از طرح های قبلی سازمان

برنامه اجرا نشده است منجم در این باره شاید چنین عقیده ای را داشته باشم و اگر چه بعنوان موافق صحبت میکنم ولی دلیلی نیست که از کارهای انجام شده در اصفهان قانع باشم یا توقع انجام طرحها بر برنامه های دیگر را نداشته باشم حتی معتقدم که سازمان برنامه آنطوریکه باید و شاید به اصفهان توجهی ننموده آنهم با دلیل و عدد و رقم از نثریات خود سازمان برنامه جدول میانگین سازمان که اعتبار آن مضمونه سرانده است آنها را که از مجموع طرح های کشوری در برنامه سوم بتصویب رسیده است نقل میکنم آذربایجان غربی و شرقی مجموعاً ردیف اول قرار دارد. دوم گیلان است سوم تهران چهارم فارس پنجم مازندران ششم سیستان و بلوچستان و ردیف هفتم اصفهان میباشد (یک نفر از نمایندگان - خراسان ردیف چندم است) ردیف نهم یعنی ایستائیکه از لحاظ جمعیت دومین استان ایران میباشد از لحاظ اعتبارات مضمونه سازمان در ردیف هفتم قرار گرفته است (ریگی) - اصفهان دیگر چه میخواهد همه چیز دارد) شاید مسئولین برنامه بگویند همانطور که آقای ریگی فرمودند که ایجاد ذوب آهن و خط آهن در اصفهان برابر است با تعدادی از برنامه های عمرانی دیگر در جواب گفته میشود که ذوب آهن مربوط به اصفهان نیست ذوب آهن يك آلمان ملی بود که آنهم با عنایت و لطف شاهانه برای مملکت بوجود آمد (احسنت - صحیح است) و مسلماً اگر محل مستعد دیگری یافت میشد ایجاد میکردند که ذوب آهن هم در همان منطقه قرار گیرد. بالاخره این موضوع دلیل این نیست که فعالیتها و اقدامات عمرانی دیگری در اصفهان عملی نشود (صحیح است).

روز ۱۷ بهمن ماه ۴۶ رئیس دولت لایحه برنامه چهارم را تقدیم مجلس نموده و در بیانات خود گفتند که شنیده میشود که بعضی از دوستان مخصوصاً دوستان خارجی ما ایراد میکنند که ما در تنظیم برنامه های عمرانی خود بلندپروازی کرده ایم در اینجا لازم میدانم که آنکه ما را به بلندپروازی متصف ساخته اند اعلام شود اینگونه اظهار نظرات اگر در گذشته میتوانست جانی داشته باشد در دوران فعلی که اصول انقلاب به تأیید شاه و ملت رسیده

ت سیاست مستقل ملی ما جهت حرکت کشور را مشخص داشته و هرگز مجالی نخواهد ماند که تحت تأثیر اینگونه نظرات و با القای دست از فخرات برنامه های خود برداریم و اندکی از اوج و عظمت آن بکاهیم (احسنت - صحیح است) و لولاینکه دیگران این حالت وطن پرستانه ما را بلندپروازی تعبیر نمایند و با توقع بیجا و اوند زیرا راه موجود را کاروان سالار ملت بمردم ایران زمین نمایانده نمایند گمان مجلسین که سر بازان انقلاب هستند بسیار نفاذیکه با صلاحیت و رزانت رأی پیشوای خود دارند در نقض بخشیدن آرمانهای عالی و مقدس انقلاب از پای خواهند نشست و اطمینان دارند این برنامه بوسیله فردی وطن دوست که فقط به هدف مقدس خود یعنی استقلال و عظمت وطن میگردند فداکاری و از خود گذشتگی نموده و در این راه تلاش بیش از همه میکنند انجام میگردد (صحیح است) و از آن گذشته اصولاً حاکمان ایرانی آهنگ ایرانی بپذیرد. نوای آشنا بر دل مینشیند و صدای بیگانه از دل میگریزد (احسنت) و چه افتخار آمیز است که برنامه عمرانی چهارم طنین ایرانی دارد و با فکر و طرح ایرانی برای ایران و بیرون از هر گونه تمایل بیگانه تنظیم شده و بدست ایرانی بمرحله عمل درآید (صحیح است) حسن

در مورد لایحه برنامه و اینکه لایحه مزبور شامل چه اصولی باید باشد مطالبی را آقای پزشکیور فرمودند نتیجه گرفتند که چون در لایحه تقدیمی فقط سه این نیست که اصول و هدفهای برنامه ذکر نشده لذا قابل طرح نیست لازم است يك نکته را از نظر کلی و اصولی که در برنامه ریزی مطرح است به استحضار همکاران بفرمایند. همانطوریکه اطلاع دارید بطور کلی امر ریزی پدید آمده جدیدی است که بعد از جنگ جهانی از کشورهای موجود آمده است که مایل بودند دست بردارند و توسعه خود را بر اساس ضوابط صحیحی بنا سازند تا بتوانند برنامه های اقتصادی را با سرعت و آمونگی لازم انجام دهند و بهمین جهت در تمام کشورهای سازمانهایی برای برنامه ریزی بوجود آمده بدینی است تهیه يك برنامه صحیح احتیاج بکارشناسان

ورزیده و مطلع و آما لازم و حل مسائل فنی زیادی دارد طبیعی است هر چه امکانات بیشتر فراهم باشد محاسبات برنامه صحیح تر بوده و چنانچه مشکلاتی در راه حل برنامه ها بوجود نیاید رسیدن به هدفهای پیش بینی شده از طرف طراحان برنامه سهلتر و سریعتر خواهد بود (صحیح است).

از همان ابتدای تهیه و تنظیم برنامه های عمرانی در اغلب کشورها بطور کلی این مسئله مطرح گردیده که قوه مقننه اصولاً در مرحله برنامه ریزی و مرحله تصویب و همچنین مرحله نظارت در اجرای برنامه چه نقشی باید داشته باشد بخاطر دارم در کنفرانس بین المللی که در سال ۴۴ در تهران تشکیل گردید یکی از نکات مهم و اساسی که در دستور کار کنفرانس قرار داشت نقش قوه مقننه در امر برنامه گذاری بود این مسئله از این جهت مطرح بود که آیا قوه مقننه در هنگام تهیه و تنظیم برنامه که امری کاملاً فنی و احتیاج به آمار و اطلاعات فراوان دارد که آنهم در اختیار نمایندگان قوه مقننه نیست تا چه حد میتواند مؤثر باشد و در مرحله تصویب با در نظر گرفتن اینکه هدفهای برنامه بعلت وقوع عوامل غیر قابل پیش بینی در سلطه های اجرا با کاهش منابع درآمد پیش بینی شده ممکن است تغییر یابد آیا بهتر نیست لایحه برنامه های که تقدیم مجلس میشود مانند سایر لواحق عادی سخت و غیر قابل انعطاف باشد یا با توجه بعوامل غیر قابل پیش بینی که همواره ممکن است هدفها و اصول برنامه را متاثر سازد فقط در چهار چوب کلی که در لوی آن قانون برنامه باید انجام و بتصویب قوه مقننه برسد عمل گردد با توجه بمباحثی که در کنفرانس مذکور مطرح بود معلوم گردید که با توجه بواقعیات غیر قابل انکار اکثر کشورهای اصل انعطاف را پذیرفته اند (صحیح است) تا لایحه برنامه حتی الامکان در مجلس مقننه بصورتی تصویب گردد که مراحل مختلف اجرای آنرا آسان سازد در مورد برنامه چهارم دولت بساطت احترامیکه همواره بقوه مقننه داشته است کوشش کرده هیچ امری در برنامه ریزی از نظر نمایندگان مجلسین مکث نمائند و حتی در مجموعه تقدیمی در مواردی که دولت عدم توفیقهایی را داشته است بصراحت بیان داشته و بضمیمه لایحه تقدیم

کرده که رئوس کلی آن در صفحه ۴۸ فصل اول تحت عنوان موفقیتها و مشکلات در دوره برنامه سوم عمرانی در ۱۲ صفحه به اطلاع مجلس رسانیده است. نمایه در قالب ارقام و اعداد در فصول اعتبارات مختلف در جدول ضمیمه لایحه جزء بجزء گفته شده است. از مطالعه جدول ضمیمه لایحه این نتیجه را میگیریم که اعتبارات برنامه شامل ۱۷ اصل از جمله کشاورزی و دامپروری و صنعت و پنج هزار میلیون ریال صنایع و معادن بود و نه هزار میلیون ریال عمرانهات نه هزار و صد میلیون ریال و عمران ناحیه ای سه هزار و شصت میلیون ریال و بهمین ترتیب برای سایر فصول مبالغی اختصاص داده شده و مجلس بررسی و تصویب میکند و در این صورت لایحه برنامه در قالب ارقام و اعداد و هدفهایی را که برنامه در نظر دارد به آن برسد تصویب خواهیم کرد و آنهم بنحویکه نه تنها دولت از اصل انعطاف که قبلاً عرض کردم مورد قبول و اجرای اغلب کشورهاست استفاده نکرده بلکه با توجه ب لایحه تقدیمی ملاحظه خواهیم کرد مود محدودیتهایی را برای خود پیش بینی کرده است (صحیح است).

در اینجا لازم میدانم توضیح یک مطلب کلی بردارم و اطمینان دارم همه دوستان با من هم عقیده هستند که ارزیابی و مقایسه ارزشها و مقیاسهای اجتماعی نظام نوین امروز که به برکت انقلاب حاصل شده با مقیاسهای منسوخه دوران گذشته در مدت کوتاهی مقدور و عملی بنظر نمیرسد و باید فرصت داد تا با گذشت زمان مجریان انقلاب در زمینههای گوناگون و وظائف خود را به انجام برسانند و از تلفیق و تالیف برنامهها با یکدیگر مقیاسهای جدید نظام نوین را به نسل امروز ارائه کنند تا همه مردم به رأی العین آثار و تسایح حاصله را مشاهده کرده و از ثمرات آن برخوردار شوند (صحیح است) اقدامات و فداکارهای مجریان انقلاب یعنی دولت حزبی در مدتی که قبول مسئولیت کرده خدمات خود را نشان داده است این دولت افتخار دارد در مدت تصدی خود مخالفان را تبعید و زندانی نساخت برای مملکت بن بست سیاسی درست نکرد (صحیح است) فاصله از مردم نگرفت. رُست دولت بخود نگرفت بلکه لباس خدمت پوشید و بخدمت پرداخت

(صحیح است) از همه مهمتر آنکه همواره راهنمایهای رهبر مملکت را با جان و دل پذیرفت و در اجرای آن نهایت صداقت و فعالیت را بخرج داد (صحیح است). دولت هویدا در طول خدمت با خوشروئی با استقلال و منقذین شرافت و بهانه جوین و عیب تراشان را بحال خود وا گذاشت از تذکرات مطبوعات دلننگ نشد، در مقابل بیگانه مانند کوهی استوار و در پیشاپیش دوست همچون برادری بیگانه با جوانان دمساز و همباز با شیوخ و پیران با احترام و فروزونی پرداخت. تا به امروز موفق بوده و در آینده نیز توفیق یار و باور آنهاست (صحیح است - احسنست) در لایحه تقدیمی دولت نامه جهانی که میتواند یک برنامه صحیح و اصولی را تنظیم نماید پیش بینی شده که اهم آن آموزش فنی و حرفه ای کارگران و کشاورزان با توجه بقیاس میان تولید و مصرف تربیت کارشناس، تعلیمات عالی، مدیریت و تصدی مشاغل رفاه اجتماعی و صدها موضوع دیگر که کاملاً و دقیقاً بررسی شده و من از تکرار آن خودداری میکنم در هر صورت چون هدف اصلی برنامه چهارم بالا بردن رشد اقتصادی از طریق توسعه کشاورزی مورد نظر قرار گرفته بی مورد نیست که برنامه چهارم را مکمل واقعی و عملی برنامه سوم بنخوانیم. برنامه ای که می رود کشاورزی را در سطح صنعت و مواد مصرفی آن آماده گی بدهد. آب و زمین را در حد اکثر امکان برای تهیه مباحثات مردم بکار بگیرد. محصولات کشاورزی را به بهترین وجه به بازارهای داخلی و خارجی عرضه کند و با عبارت کلی دیگر با تحریک طبیعی و عملی تبدیل روستا را به روستای صنعتی و زندگی متمدن شهری جامعه عمل ببوشاند معلوم است طراحان برنامه در تنظیم این طرح اساسی کتاب انقلاب سفید را مقابل خود قرار داده نهایت دقت و مراقبت را در کلیه موارد معمول داشته اند (صحیح است) بهر تقدیر مقصود از بیان این مطالب و بحث درباره برنامه عمرانی چهارم منحصراً قیاسی میان آن و برنامه های قبلی بود ولی ملاحظه شرح شصت و سه صفحه ای دولت در این زمینه و تجزیه و تحلیلهای مستند بتعداد و ارقام علمی که مطلقاً اقتصادی و مطبوعات از این برنامه عمل

آورده اند و توضیحات کامل و جامعی که جناب آقای دکتر المونی رئیس محترم کمیسیون برنامه در اینجا دادند ادامه بحث را برای من مشکل ساخته زیرا مطلبی را فروگذار نمودند که يك نفر موافق دولت و برنامه است. نتواند از آن استفاده کند ولی مسئله ای که به اعتبار انصاب طبقاتی بیان آن ضروری است مسئله توسعه صنایع و انتقال نیروی انسانی در جریان این برنامه است.

در برنامه چهارم همکاری دولت بخش خصوصی حائز اهمیت است و اینطور نشان میدهد در عین حال که دولت سرمایه گذار است اجرای آن قسمت که وسیله بخش خصوصی امکان پذیر میباشد هدایت و ارشاد میکند و اینهم یکی از مختصات زمان است که دولت و مردم یکپارچگی داشته و میخواهند با وحدت فکر بدنبال هدف اصلی یعنی پیشرفت بسوی ترقی و تعالی بروند (صحیح است) بنظر من اگر مشکلی هم در کار پیدا شود کمی شناسائی و درک واحد است و آنهم در این باره دولت وظیفه مهمی را بعهده دارد که هر چه بیشتر مردم را بحقیق برنامهها، روش اجرا حدود عمل و بالاخره کم و کیف پیش بینیها بیشتر آگاه کند و قبول کنیم آگاهی بخش خصوصی از عمق برنامهها و شیوه کار به تشکیک بیشتر کمک کرده و یکپارچگی را تقویت میکند البته بقول معروف هم نمیتوان نان جویده را بدین بخش خصوصی گذاشت و حق اینست که بخش خصوصی نیز از قالب کهنه خود بدرآید و در طریق همکاری و تحقیق و مطالعه بپردازد و قسمتی از سودی را که بلحاظ محاسبات دولت بدست میآورد صرف بررسی و تحقیقات علمی نموده خود نیز قدمی بجلو بردارد (صحیح است) ولی در هر حال برای اقتصاد جوان جامعه ما راهنمایی بدانه دولت هنوز لازم و ضروری است (صحیح است) و منظور اینکه گفته شد بخواهد بود که در تفهیم مسائل توضیح برنامهها و ارائه هدفها و تسهیل روشها، بخش خصوصی را بیشتر آگاه نمود آنهم نه فقط در سطح عالی و علمی بلکه متدبیرانه نیز از آن مستحضر شود و سرمایه های کوچک و بزرگ و اندازه های جزئی نیز در این راه بسیج گردند (صحیح است) و اما نکته ای که تذکر آن لازم است اینست که بان در باره کمک و مساعدت از لحاظ پرداخت وام و

اعتبارات به بخش خصوصی مراقبت دقیق نماید گرچه منظور دولت از این اقدام نشانه علاقمندی بتحرک بیشتر بخش خصوصی است ولی باید توجه داشته باشیم که در بین بخش خصوصی بوده اند عده معدودی که حمایتهای بی دریغ دولت را وسیله جلب وامهایی کرده که نسبت بحسن گردش آن بی علاقمندی و با احتیاطاً سوء نیت نشان داده اند امیداست دیگر چنین افرادی یافت نشوند ولی جا دارد که دولت نظارت بحسن گردش فعالیتهای بخش خصوصی را در طریق سالم اعمال کند و بدنبال این مطالب همانطوریکه در دوره گذشته در یکی از نطقهای قبل از دستور عرض کردم دولت ضمن انجام همه گونه حمایتها از بخش خصوصی ضمناً مراقب باشد که فئودال صنعتی بوجود نیاید (صحیح است) زیرا در گوشه و کنار کارفرمایانی هستند که مدیر نیستند و زندگی و دنیا و عالم وجود را از دریچه خور و خواب و خشم و شهوت مینگرند از کارگران سفته سفید امضاء گرفته و با منتخبین سندیکاهای کارگران را از کارخانه اخراج میکنند و هنوز طرز تفکر قرون وسطائی را دارند من از وضع مؤسسات و کارخانه های اصفهان در گذشته مطالبی عرض کرده ام و آنها را تکرار نمیکنم ولی این موضوع را هم میدانند هیچ مؤسسه تولیدی ضرر ندارد ولی اگر کارخانه ای تحت عنوان ضرر تعطیل شد و یا بشود قطعاً در نتیجه سوء مدیریت و احتیاطاً بی بندوبارها و سوء استفادهها و ریخت و پاشها و کارهای خلاف اخلاق و خلاف قانون مسئولین آن بوده است و بس. آیا در چنین شرایطی کارگران یا دولت باید کفاره شرابخورهای بی حساب و قماربازهای کلان آنها را بدهند؟ در هر صورت مسئله مدیریت اهمیت خاصی دارد و اقتصاد امروز عناصر اقتصاد گذشته را از تر کیب کار و سرمایه به سه عنصر کار و سرمایه و مدیریت توسعه داده و عامل جدیدی را در امر تولید بنام پیراهن سفیدان مورد توجه قرار داده است و خوشبختانه دولت در این برنامه تنها با افزایش شغل و مقابله مؤثر با بیکاری و شرایط تأمین آن نکرده بلکه راهنمایی نیروی کار و سوق دادن آن در جهت فعالیتهای جدید اقتصاد ملی ضروری تشخیص شده و مسئله مدیریت و مهارت و ارتقاء سطح اطلاعات فنی مورد توجه قرار گرفته و این موضوع

دلالت دارد بر دقت همه جانبه نسبت به برنامه ریزی زیر  
چهارم آنکه هم کوشش جامعه صرف ذخیره و جمع آوری  
سرمایه بشود و برای برآورد آن اولین نیروی لازم  
یعنی نیروی تربیت شده انسانی وجود نداشته باشد  
نماینده در بخش کشاورزی ۲۰۸۰ نفر مهندس و ۶۰۴۰  
نفر تکنیسین و ۲۹۲ هزار نفر زارع تعلیم یافته در این  
بخش مشغول خواهند بود در سایر بخشها نیز بهمین ترتیب  
پیش بینی شده است و بعقیده من اساس برنامه همین عامل  
خدمات اجتماعی است زیرا پرورش این نیرو هر چقدر  
توسعه تقویت گردد بیشتر فواید اجتماعی را بر عترت محکمتر  
و اطمینان بخش تر خواهد بود در اینجا که مسئله نیروی  
انسانی و اشتغال که با آموزش توأم است مطرح میباشد قطعاً  
افکار بیشتر متوجه جوانان میگردد و می بینیم که در این  
بدین مسئله توجه کامل داشته است ولی بعقیده من اجرای  
مفاد این برنامه مستلزم همکاری و تحریک بیشتر دستگاههای  
آموزشی و تبلیغاتی کشور میباشد بدین معنی که این  
دستگاهها خود را ملزم به تربیت نسلی بدانند که زائیده  
انقلاب سفید هستند. انقلابی که چرخهای رنگ زده را  
بجزکت آورده و مهربانهای زائد را بکنار رانده و جامعه  
ایرانی را از نو زنده ساخته است. این انقلاب تشنه همکاری  
نسل جوان و تحصیل کرده مملکت است. جوان ایرانی را  
باید از آنچه که در دنیا و در گوشه و کنار مملکت میگذرد  
آگاه ساخت. جوان ایرانی شور وطن دارد. عشق وطن دارد  
و علاقه دارد ثابت کند که همگام با انقلاب عظیم کشور خود  
به پیش میرود. جوان ایرانی با تمام وسائل که تحت عنوان  
تفریحات سالم در اختیار دارد و بلبل آزادی کاملی که در تماشای  
فیلمهای مبتذل سینمایی دارد و با محر و میتهائی که در اثر  
که بود محیطهای ورزشی سالم در اختیار اوست میتواند  
دنیال به روراه انقلاب باشد منتهی وظیفه دستگاههای  
آموزشی و تبلیغاتی کشور و مخصوصاً مطبوعات در این مورد  
خیلی با اهمیت است که جامعه را از جداء اعلای صفات و خصوصیات  
اخلاقی مستفیض و بهره مند نموده و ضرورت تجهیز نیروی  
انسانی را با انگیزه و با درساختن هر چه بیشتر دانش تخصصی  
و اصول معنوی و دینی جهت اجرای اصول و شرایط و  
مقرر آنکه اجزاء زیر بنای جامعه نوین ما را تشکیل

میدهد. رهبری نمایند تا در جوار این درخشندگی نیروی  
انسانی سایر عوامل مربوط بتوسعه اقتصادی و تحول  
صنعتی بتواند بر پایه اصول صحیح پیرزمندهانه سوی  
افقهای درخشان آبی راه ترقی و تکامل را پیش گیرد.  
عرایض من یکم که خاتمه پیدا میکند ولی مطالب گفتنی  
ختم نمیشود و خصوصاً وظیفه داشتم که در باره نیازمندیهای  
اصفهان و بخشهای حرقوبه و کوهپایه مطالبی عرض کنم.  
(مصطفوی - سائین را هم بفرمائید) همه جای  
ایران سرای من است جناب آقای مصطفوی نائینی ولی چون  
پیشنهادات خود را در دوره قبل داده ام و از طرفی ضمن  
مذاکره با همکاران عزیز نمایندگان استان اصفهان در  
جلسات استانی مطالب مورد بحث قرار خواهد گرفت لذا  
از تذکر آن خودداری میکنم و به دو مطلبی که در اینجا  
صحبت شده میپردازم یکی در مورد سرمایه گذاری خارجی  
بود که موجب نگرانی جناب آقای یزشکیور شده که لازم  
میداند توضیحی را در این زمینه بدهم. امروز بر اساس  
تجارب و پیشرفت علم اقتصاد دانشمندان بدین نتیجه  
رسیده اند که امکان ندارد در کشوری پیشرفت و رشدی  
بوجود آید بدون آنکه سرمایه گذاری لازم بعمل آید  
(صحیح است) و هر چه حدر سرمایه گذاری بالاتر باشد  
به همان نسبت رشد و پیشرفت اقتصادی کشور بیشتر است  
طی محاسباتی که شده است چنانچه کشوری بخواهد فقط  
درآمد سرانه اش شش درصد در سال بالا برود باید معادل  
۱۸٪ در آمد ملی خود را سرمایه گذاری کند با توجه  
باینکه در آمد ملی ما طبق محاسبه ای که شده است حدود  
پنجاه میلیارد تومان بر آورده شده هر سال باید نود میلیارد  
ریال صرف سرمایه گذاری کنیم و هر قدر بخواهیم رشد  
اقتصادی بیشتر باشد باید میزان سرمایه گذاری اضافه  
شود خوشبختانه قسمت اعظم این مبلغ از منابع داخلی  
مملکت تأمین میگردد و آن مقدار هم که قرار است از  
سرمایه خارجی استفاده نمود محققاً با توجهی که  
دولت به نحوه استفاده از سرمایه خارجی دارد میزان مورد  
احتیاج و کیفیت جلب و بهره برداری از سرمایه های خارجی  
بمنجوی که در مجموعه ضمیمه گفته شده بطوری نمیتواند  
باشد که موجبات نگرانی را فراهم کند مخصوصاً  
وقتی که توجه بحفظ تعادل ارزی و همچنین افزایش

ذخائر ارزی لازم باشد اینست که طی دوره برنامه چهارم در  
حدود ۸۱۳/۵ میلیارد از منابع خارجی چه بصورت وام و  
چه بصورت سرمایه خارجی استفاده کنیم در این باره در  
صفحه ده تحت عنوان سیاست وام و ورود سرمایه خارجی  
توضیح لازم داده شده است و اما در مورد تقویت وسائل  
دفاعی کشور که آنهم جناب یزشکیور در باره آن بیاناتی  
نموده اند لازم میدانم عرض کنم دولت در تأمین نظر ملت  
ایران در این زمینه توجه خاص دارد و در این باب اقدام  
گرفته و پیش بینیهای لازم را نموده است این توقع ملتی  
منجبر بدسته باطنیه و با حزب خاص نیست (صحیح است)  
بلکه تمامی ملت ایران برای حفظ ناموس و قه میت و  
عظمت و استقلال و آقائی کشور خود علاقه دارد (صحیح  
است) در این باره حاضر است هستی خود را در طبق اخلاص  
گذارده تا وطنش در امن و امان بماند.

زیرا ضرورت صیانت و حفاظت و موجودیت و دفاع  
عمده جانبه از حدود و ثغور و تمامیت خاک کشور باک سالت  
نابخی و بک ضرورت اجتماعی است که سر منشاء تمام  
فعلیتهای بوده و همگی نمایندگان مجلس هم که از سر بازان  
انقلاب و جانبازان شاهنشاه و دستدار وطن هستند بر این  
تئیده ایم که در هر برنامه سازندگی ضرورت دارد که دفاع  
از موجودیت و تمامیت میهن سر لوجه کلیه اقدامات و  
فعلیتهای قرار گیرد زیر اساس این همه پیروزیها بر دخته ها  
ساخته ها، آفرینشهای علمی و هنری و فرهنگی جز در  
سایه یک ارتشی توانا که از حد اعلای دیسیپلین نظامی  
دانش تخصصی بهره مند باشد میسر و امکان پذیر نخواهد  
بود و ما که در بستر تاریخ ایران و در گذرگاه حساس و  
سرفراز دوران سازندگی قرار گرفته ایم تا موقعیکه  
شیرها بغلاف بر گرفته و آتش توپخانه ها خاموش نگردد  
بم بطور درست در خدمت بشر قرار نگرفته باید برای  
دفع از آئین پر عظمت شاهنشاهی ایران و حفظ اورنگ  
دولت سلطنت و تمامیت استقلال وطن عزیز خود آرام نشینیم  
اصح است (منتهی ایجاد ناوگان مورد نظر همکار محترم  
ملک ایران تنها تهیه آن آرزوی ما را بر آورده نمیسازد  
بلکه احتیاج به تربیت کادر فنی بیشتری داریم تا آن افراد  
بزرگه تعلیم نیابند آن ناوگان قوی و مقتدری که مورد

نظر ما است نمیتواند تشکیل شود و آن روزی این ناوگانها  
میتواند وظیفه خود را خوب انجام دهد که بطور درست  
بدرست ایرانی هدایت شود این آرزو هم انشاء الله خیلی  
زود بر حلقه عمل خواهد رسید (یزشکیور) اینست که فرمودید  
نظر جناب عالی است یا نظر حزب است؟ نظر ملت ایران  
است (یزشکیور) نظر ملت ایران نیست تکذیب میکنم  
**خواجه نوری** - بلی این نظر حزب است اول باید  
کادر تهیه کرد و بعد کشتی خرید و انداخت توی دریا باید  
اول ملوان تهیه کرد کشتی را بدون ملوان نمیشود در  
دریا روان کرد ما عافانه فکر میکنیم و حقیقت را میبینیم  
تا اینکه رنگ نرندله این نظر حزب است که ناوگانش  
بدرست ایرانی اداره شود (صحیح است - احسنت)  
**صائب** - آرزو هم انشاء الله خیلی زود خواهد رسید  
(انشاء الله) من با بنایش و ستایش قلبی خود بیدرگاه ایزد  
توانا بر شور ترین احساسات و احترامات خود را نسبت به  
افسران و درجه داران و تمام کادر نیروهای انتظامی که در  
اقتی نقاط مملکت وظایف حساس خطیر و پر اهمیتی را  
بعهده دارند تقدیم نموده پیروزی بیشتر این خدمتگزاران  
شاه و وطن را در راه تحقق بخشیدن آرمانهای مقدس ملی از  
فر ایزدی مستحتر دارم دوستان عزیز ما با اطمینان بفضل  
الهی و رهبریهای پیشوای انقلاب ملی و انکاء بقدرتهای  
خلاقه داخلی و چشم پوشی از کرامات و کمکهای دیگران  
در راه پیشرفت و ترقی و تعالی گام بر میداریم و برای  
تصمیم همت میکنیم که افزایش درآمد سرانه با حسن  
اجرای برنامه از وادی پیش بینی بمنزل مقصود و واقعیت  
پیوندند و با توسعه اقتصادی و اجتماعی و ترقی سطح زندگی  
عمومی با اجرای برنامه چهارم هدفهای اصیل اجتماعی  
نیز میدان ظهور و بروز بیشتری پیدا کرده و جامعه ایرانی  
را که با عطش ترقی خواهی جلو میرود سیراب کند (احسنت)

**رئیس** - آقای مهندس ابراهیمی بفرمائید  
**مهندس بهرامزاده ابراهیمی** - ریاست معظم  
مجلس شورای ملی نمایندگان محترم از سال ۳۴ که بدستور  
شاهنشاه آریامهر برنامه ریزی در ایران متداول شد خوشبختانه  
دولتها توانستند موفقیتهایی بدست آورند و تا جائیکه در

زمان دولت جناب آقای هویدا رشد اقتصادی کشور ماهه ۷۹ در سال رسید.

لکن جای بسی تأسف است که برنامه چهارم عمرانی کشور که حجم آن چندین برابر برنامه های گذشته است و اولین برنامه است که در دوران انقلاب سفید شاه و ملت پایه گذاری شده اولین برنامه است که از ثمرات این انقلاب بزرگ، متمتع شده خواهد شد. موقعی به ساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم میشود که نه تنها وقت کافی برای مطالعه آن نیست بلکه چندین لایحه فوری مهم دیگر از قبیل بودجه و ملی نمودن آبهای کشور و نوسازی شهرها نیز با آن همزمان شده است و قطعاً همکاران عزیز با من هم عقیده خواهند بود که هیچ فردی حتی متخصصین برنامه ریزی قادر نخواهد بود در چنین فرصت کوتاهی چنین برنامه عظیمی را آنچنانکه باید و شاید مورد بررسی و اظهار نظر قرار دهند ولی جای بسی خوشوقتی است که کمیسیون برنامه برای تقدیم برنامه پنجم ضرب الاجل چهار ماهه ای فائل گردید.

بهر حال مجموع این اوضاع و احوال ما را ناگزیر میکند که به اختصار درباره برنامه سوم و برنامه چهارم صحبت کنیم و فقط بذکر چند نکته فئات نامائیم:

چند روز پیش از این در مجلس ویر پروژ دربانک مرکزی ایران جناب آقای نخست وزیر در سازه برنامه چهارم فرمایشاتی فرمودند که من را بر آن داشت امروز بصورت مخالف مشروط صحبت کنم. ایشان راجع به صنایع سنگین، تکنولوژی، جای، زیر بنای اقتصادی، تربیت نیروی انسانی در روستاها، کشاورزی، مصرف، سرمایه گذاری بخش خصوصی، رشد سیاسی، اجتماعی و دمکراسی و اعتبارات لازم صحبت کردند ما با مطالبی که درباره جای، زیر بنای اقتصادی، تربیت نیروی انسانی در روستاها و مصرف بیان فرمودند موافقم. ولی ضمناً مطالبی داریم که باید بطور اختصار و فهرست وار در اینجا از آنها نام ببریم و کم و بیش سئوالاتی مطرح کنیم:

۱- در ممالک مترقی جهان، در موقع تقدیم برنامه عمرانی جدید، دولت وقت علاوه بر تقدیم برنامه جدید بمجلس، از برنامه ای که انجام گرفته است صحبت میکنند

و برای جلب نظر نمایندگان و موکلین آنها شرح مبسوطی از مشکلات و موفقیتها میدهد تا آنکه در آئینه بتواند برای اجرای برنامه جدید همکاری بیشتر مردم را جلب نماید. تنها تقدیم برنامه بنمایندگان و بعضی از ادارات دولتی کافی نیست و دولت باید بوسیله رادیو، روزنامهها، تلویزیون و تشکیل سمینارها اینکار را انجام دهد تا زمینه مساعدتری برای انجام برنامه جدید خود بدست آورد. بنظر بنده دولت جناب آقای هویدا بقدر کافی توجه به این موضوع نداشتند.

۲- در برنامه چهارم صفحه ۲۲۵ نمیدانم چرا برای صنایع غذایی که مربوط به کشاورزی و هم مربوط به غذای مردم میشود رشد سالانه ای معادل ۷/۱۰٪ با مقایسه با معدل رشد سایر صنایع که ۱۳/۱٪ میباشد در نظر گرفته اند. در حالیکه اگر این نوع صنایع پیشرفت بیشتری داشته باشند هم زارعین درآمد بیشتر خواهند داشت و هم مصرف کننده قیمت مناسبتری خواهد پرداخت. خاصه که شاخص هزینه زندگی برای خوراک در ایران طی سالهای ۳۸-۴۵ ۸/۱۲۵٪ بوده است (صحیح است).

۳- در برنامه چهارم صفحه ۲۲۷ با آنکه رشد متوسط سالانه ارزش افزوده معادل ۱۳/۶٪ تخمین زده شد این رشد فقط بعد از چهار گروه صنعتی قرار گرفته معذک در سرمایه گذاری در گروه ششم قرار میگردد و این بدون توجه به این اصل بوده است که این کشور امکانات معدنی قابل ملاحظه ای دارد و متأسفانه در برنامه دوم و سوم هم دولت کم کم بسیار ناچیزی به استخراج معادن چه از نظر سرمایه گذاری و چه از نظر کمک به بخش خصوصی نموده است. معدنکاران بعلمت هزینه زیاد راهسازی و همچنین سرمایه زیادی که معدنکاری لازم دارد به بانکهای صنعتی روی میآورد ولی متأسفانه بعلمت نداشتن وثیقه کافی این بانکها نیز به آنها کمک لازم را نکردند (صحیح است).

۴- با آنکه در برنامه سوم عمرانی، بخش کشاورزی بعنوان مهمترین بخش عمرانی تلقی گردیده بود و هدف تولیدی آن بطور متوسط ۴٪ رشد سالانه پیش بینی شده بود، اما در عمل و در مجموع دوره، دولت به هدف خود

رسید. در برنامه چهارم هدف تولیدی بخش کشاورزی ۵٪ تعیین شده است. بنظر اینجانب این دو هدف با در نظر گرفتن آمارهایی که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که در دسامبر ۱۹۶۵ پس از تشکیل سمینار تهران درباره سایر ممالک کم توسعه یافته در صفحه ۵۱ خود درباره رشد کشاورزی بین ۱۹۵۳-۱۹۶۳ منتشر نموده کم است.

مثلاً کشورهای اسرائیل، یوگسلاوی، مکزیک، یونان، تایلند، کره جنوبی به ترتیب ۶/۹، ۶/۹، ۵/۱، ۵/۱ داشته اند. تصدیق میفرمایند که اگر برنامه عمرانی کشاورزی ما بین ۱۹۶۸-۱۹۷۲ باید انجام شود این تاریخ پنج سال عقب تر از تاریخ مذکور در پیش است هدف کشاورزی با مقایسه با سایر ممالک کم توسعه یافته کم است. آقایان این بعلمت آن است که مادر گذشته رجوع توجه کافی به از در یاد برداشت محصول از واحد سطح نکت نداشته ایم در این برنامه میبایستی این نقیصه تا حد امکان رفع گردد.

۵- اگر به صفحه ۴۳ گزارش برنامه چهارم عمرانی کشور (۱۳۵۱-۱۳۴۷) و جدول شماره ۲۳ صادرات کالا (بخش نفت) و واردات کالا بقیمت های جاری که بمیلیون دلار حساب شده است نظری بیافکنیم، مشاهده خواهیم کرد که مادر حال ۳۸ دارای ۴/۶۵۰ میلیون دلار واردات و در همان سال ۶/۱۰۲ میلیون دلار صادرات داشته ایم که تفاوت ایندو عبارت از ۸/۵۴ میلیون دلار میشود از طرفی اگر واردات سال ۴۵ را در نظر بگیریم ۷/۹۶۲ میلیون دلار واردات همان سال ۵/۱۵۷ میلیون دلار بوده است که تفاوت ایندو بالغ بر ۲/۸۰۵ میلیون دلار میشود یعنی در حقیقت در سال ۴۵ پس از گذشت ۷ سال افزایش اختلاف بین واردات و صادرات ما بالغ بر ۴/۲۵۷ میلیون دلار شده است که اگر متأسفانه حاصل از نفت و مالیاتها از سال ۳۸ تا ۴۵ نبود این تراز برادراختها و ارزی ما به همین اندازه یعنی ۴/۲۵۷ میلیون دلار بدتر میشد. بنظر من در برنامه چهارم، دولت میبایستی برای اقلام صادراتی خود که اهم آنها، قالی، خشکبار است برنامه های بهتری تهیه و بکار برد و مخصوصاً ارزی دهد که بعد از این تا حد امکان محصولات صنعتی صادر گردد. من معتقدم که دولت باید حتی الامکان بجای

پنبه، محصولات پارچه ای، بجای خشکبار محصولات کنسرو و میوه و میوه بسته بندی شده و بجای نفت محصولات آلومینیومی، پتروشیمی و ذوب آهن به ممالک طلبکار صادر نماید.

**مهندس ارفع** - علتش این است که قسمت عمده ارز برای سرمایه گذاری در صنایع که وارد مملکت شده است بکار رفته.

**اهری** - اکثر آبرای ورود ماشین آلات صنعتی بوده است.

**مهندس بهرام زاده ابراهیمی** - متشکرم جواب مفصلی برای فرمایشات جنابعالی دارم که در اینجا وقت نیست اگر علاقمند بودید خدمتان عرض میکنم.

۶- دولت طرفدار استفاده از آخرین تکنولوژی و در نتیجه اتوماسیون است. این مقایسه با بالا بردن سریع سطح اشتغال در مملکت است. اول ایجاد کار و اشتغال بکنید بعد طرف تکنولوژی بالاتر و اتوماسیون بروید.

در صفحه ۲۱ گزارش برنامه چهارم جدول شماره ۱۱ جمعیت فعال ایران در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۳ و ۱۳۴۶ (بهبازر نفی) ذکر شده است که درصد جمعیت شاغل نسبت بکل جمعیت در سال ۳۵-۳۱/۲ و در سال ۴۳-۲۶/۱ و در سال ۴۶-۲۶ بوده است یعنی در حقیقت درصد جمعیت شاغل در مملکت ما از سال ۳۵ تا سال ۴۶-۵/۲ درصد تقلیل پیدا کرده است (فرهادپور - بزرگترین خطر برای مملکت است). گمان کنم جناب آقای هویدا باید در برنامه بکار بردن آخرین تکنولوژی در سطح کلی مملکت منصرف شوند. ولی ما بکار بردن آخرین تکنولوژی را در رشته های صادراتی اصلی از قبیل نفت، پتروشیمی، خشکبار، پارچه بافی، آلومینیوم و محصولات صنعتی دیگری که ممکن است در آئینه نسبت بتولید آنها استعداد طبیعی داشته باشیم و بتوانیم در بازارهای بین المللی رقابت کنیم کاملاً موافق هستیم حتی اگر روزی ایشان در این رشته ها این اقدام را بنحوا حسنت انجام دهند خدمتشان تبریک عرض خواهیم نمود. (مهندس ارفع - با گدما مخالف هستید) قبلاً عرض کردم اگر آقایان دقت میفرمودند در اول عرض من در قسمت

ششم عرض کرده (خواججه توری) ما با کمال دقت کوشش دادیم و مغایرت ندارد.

۷- در نطق پروردگزار خودشان جناب آقای نخست وزیر فرمودند که ما پایمان را از کلیم خود درازتر نمیکنیم -

ما بطور کلی با این طرز فکر و فصول ریسک مؤلفیم ولی بشرط اینکه حساب شده باشد شما در برنامه سوم هدف رشد متوسط کشاورزی را ۵٪ قرار دادید که سه آن فرسیدید. هدف رشد متوسط اقتصاد را ۶٪ در نظر گرفته بودید که بحمد خداوند در ظل راهنماییهای شاهنشاه آریامهر و پشت کار خودتان و همکاریاتشان موفق شدید. آنرا

به ۹٪ برسانید از طرفی سرمایه گذاری خصوصی را ۳۰ میلیارد تخمین زده بودید که حدود ۴۶ میلیارد یعنی ۵۳٪ زیادتر شده اینها میرساند که آمارهایی که در اختیار برنامه ریزان خود قرار داده اید یا صحیح نبوده یا کافی نبوده است.

و اگر ضمناً صفحات ۵۹۴ تا ۵۹۸ گزارش برنامه چهارم مراجعه بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که عرایض خالصی از عرض است. بنا بر این ۷۰۰ میلیون ریال اعتبار برای آمار گرفتن و بررسیهای آن کم است. باید حتماً سعی بفرمائید که زودتر نواقض مربوط به آمار گرفتن و بکار بردن آنها بر طرف شود چرا که وضع برنامه ریزی و آمار بدتر از دکتز بدون دوام باشد.

۸- شما میخواهید پس انداز را که در برنامه سوم ۱۶/۵٪ بوده است در برنامه چهارم به ۲۵٪ برسانید آیا جذبطر عملی و دقیق و تازهای برای عملی نمودن این منظور در نظر گرفته اید؟ منکه در برنامه چهارم راه و روش جدیدی که ارائه شده باشد ندیدم.

۹- آقایان حدود ۷۰٪ جمعیت دردهات هستند و ۳۰٪ در شهرها. پس چرا برای عملیات عمران دهات فقط ۹۱۰۰ میلیون و برای شهرها ۷۰۰۰ میلیون ریال تخصیص میدهید. یعنی برای ۳۰٪ جمعیت حدود ۲۳٪ و برای ۷۰٪ جمعیت ۵۷٪ از اعتبارات عملیات عمرانی را تخصیص میدهید. در حالیکه از وضع دهات ماهمگی با خبر هستید و شما خودتان فرموده بودید که در برنامه چهارم توجه شما بروستاها و دهات بیشتر از شهرها خواهد

بود. (فرهادپور - برای اینکه برنامه را شهر نشینها تنظیم میکنند)

۱۰- چرا برای بهره برداری از آبهای سطحی ۴۱۱۶۰ میلیون ریال و برای آبهای زیرزمینی فقط ۱۷۰۰ میلیون ریال تخصیص میدهید در حالیکه باید بجای که آب بیشتر توجه داشته باشید. اگر بر خلاف گذشته در این برنامه ساختن سدهای کوچک توجه بفرمائید خیال ما را راحت تر خواهید کرد. یادداشتی برای بنده رسیده که علاقه دولت به برنامه عمرانی چهارم آنقدر بوده که از نمایندگان دولت در اینجا غیر از یک معاون بیشتر کسی را نمیبینم باعث تأسف است.

۱۱- چرا موقعیکه شما حاضر شده اید برای تحقیقات و بررسیهای منابع آب ۳۷۴۰ میلیون ریال بول خرج کنید. مقداری به این مبلغ اضافه نمیکند یک بررسی ژئوفیزیکلی کامل را در برنامه چهارم انجام نمیدهد. برای مثال دولت کشاورزان تادوسال قبل از این نمیدانست چه امکانات قابل ملاحظه ای را دارد تا آنکه یک شرکت آلمانی مطالعه دقیق ژئوفیزیکلی از آن کشور نمود. در آن کشور منابع سرشار فسفات نفت و آبهای زیرزمینی پیدا کرد.

۱۲- نباید دولت در برنامه چهارم به راههای فرعی بیشتر توجه کند پس چرا برای راههای اصلی که هدف اصلی برنامه سوم بود دوباره در برنامه چهارم هم ۲۵/۴۵۰ میلیون ریال خرج میکند و در راههای فرعی که تمام ملت ایران انتظارات زیادی دارند فقط ۱۵/۵۵۰ میلیون ریال خرج خواهید کرد.

۱۳- چرا از جمع اعتبارات آموزش و پرورش که بالغ بر ۳۵۰۰۰ میلیون ریال است با آنکه دولت صحبت از تکنولوژی بالاتر میکند فقط ۳۰۰ میلیون ریال تخفیفان علمی تخصیص میدهد.

۱۴- اگر از صفحه ۴۹۶ تا ۴۹۹ برنامه چهارم عمرانی کشور را مطالعه بفرمائید مشاهده خواهید فرمود که آمار اختصاصی آموزشگاههای سازمانهای مختلفه کشور نشان میدهد سازمان مسئول بهداری ملکک بزرگترین نیاز اجتماعی کوچکترین توجهی نکرده است به این معنی که رشد جمعیت کشور بطور تقریباً

در خود درات ۲/۶٪ در سال یعنی ۶۰۰۰۰۰ نفر در سال است که با محاسبه متوفیات تعداد موالید شاید به ۸۰۰۰۰۰ هزار برسد برای تولد این تعداد نوزاد کدام آموزشگاه تربیت ما را تأسیس خواهید کرد آقایان نمایندگان آن آب حاره شما احتیاج به ما ندارند؟ (فرهادپور - ما ما حکم کیسار پیدا کرده) (دکتر مهدوی - گیر آوردن کمیاب مشکل است).

۱۵- در صفحه ۱۲۶ برنامه چهارم جدول شماره ۴ پیش بینی توزیع شاغلان بخشهای سه گانه فعالیت در ایران بر مبنای سوم و چهارم ذکر شده است. افزایش مطلق بی دوره برنامه چهارم برای صنایع و معادن ۴۱۷ هزار نفر تخمین زده شده است و آنوقت در صفحه ۴۸۸ برنامه چهارم جدول شماره ۱ میزان افزایش قدر مطلق محصلین حرفه ای ۳۳ هزار نفر معین گردیده است. آیا این صحیح است که از جمع ۴۱۷ هزار نفر شاغلان صنایع و معادن ما فقط ۳۳ هزار محصل حرفه ای تربیت نمائیم و پشت

دشینی های گران قیمت وارد شده ۳۸۴ هزار کارگر غیر فعال فرار کنیم.

۱۶- در صفحه ۵۴۲ برنامه چهارم می نویسند که در این برنامه عمرانی سوم ما برای هر ۱۰۰۰۰ نفر ۱۱/۷ تخت داریم و این نسبت در کشورهای همجوار (به استثنای سوئیس) بین ۱۰ تا ۲۰ تخت و در کشورهای پیشرفته بین ۱۵ تا ۲۰ تخت میباشد. بطوریکه ملاحظه میشود ما نسبتهای بیمارستانی بقدر کافی نداریم و این تختها بطوریکه اطلاع دارید بیشتر در مراکز شهرها است و روستاها در مضیقه میباشد. دولت باید به این موضوع توجه کافی بنماید.

این است نمونه ای از آنچه که بیابستی در باره برنامه چهارم نکات ضعیف آن در این وقت کم بعرض مینمایند. آقایان اضافه شدن رشد اقتصادی توسط شما بمرزبان انقلاب که از ۶٪ به ۹٪ رسیده است چون استان ما در مراحل اولیه توسعه اقتصادی است باعث ایجاد مشکلات رسانندگان انقلاب شاه و ملت نمیشود. تقسیم آگر دولت با امکانات توسعه اقتصادی که در هر

محل وجود آورده است برنامه صحیح تری تقدیم ساخت

مقدس مجلس شورای ملی میکرد محققاً در راه رسیدن به آرمانهای شاهنشاه آریامهر و ملت ایران کامیاب بنمیدتر و استوارتری بر میداشت ولی با اینحال ما موفقیت شمارا در راه خدمت به ایران عزیز بیش از پیش خواستاریم. با عرض تشکر (احسنت)

**دکتر الموتی** - چند موردی را که فرمودید پیشنهاد بفرمائید.

**مهندس بهرام زاده ابراهیمی** - انشاء الله موقعی که حزب مردم روی کار آمد نشان خواهد داد.

**۴ - تصویب صورت جلسه های صبح و عصر یکشنبه ششم اسفند**

**رئیس** - صورت جلسه های صبح و عصر روز یکشنبه گذشته خدمت خانمها و آقایان توزیع شده است نسبت به این صورت جلسه ها نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه های صبح و عصر روز یکشنبه گذشته تصویب میشود.

**۵ - ادامه مذاکره در کلیات ۶- زارش شور اول کمیسیون برنامه راجع به برنامه چهارم عمرانی کشور**

**رئیس** - آقای دکتر مرتضی تشریف بیاورید.

**دکتر مرتضی تواعظم** - با اجازه مقام ریاست همکاران محترم دوست ارجمند و همکار گرامی آقای دکتر الموتی با مطالعات عمیق و وسیعی که درباره برنامه چهارم دادند مطالب را آنقدر خوب تجزیه و تحلیل کردند که علاوه بر آنکه جای دفاع برای من و همکاران دیگر که بعنوان موافق صحبت میکنند نگذاشتند بلکه بنده معتقدم برای همکاران هم که بعنوان مخالف صحبت کردند جایی باقی نگذاشتند و راستش تعجب کردم و قتیکه جناب آقای یز بشکیور و آقای دکتر ابراهیمی بعنوان مخالف فرمایشاتی کردند. بهر حال با وجود اطلاعات ذوقیمتی که آقای دکتر الموتی در اختیار این مجلس محترم گذاشتند وظیفه بنده را بسیار سبک کرد. احتیاجی نمیبینم که عرایضی بکنم معذلتک برای روشن شدن بیشتر موضوع مطالبی را عرض میرسانم که با الهام از منوبات شاهنشاه عالیقدر بخردمند ایران تهیه و تنظیم شده است



آقادر جامع و کامل است که نکته‌های فرو گزار شده است و مسئله‌ای نیست که پیش بینی نشده باشد و بنده سهم خودم در اینجا وظیفه دارم که از برنامه گزاران که همه آنها از هموطنان عزیز ما هستند و مسلماً ماه‌ها ساعتی را برای اینکار صرف کرده‌اند سیاست‌گذاری کنم قبلاً از هر چیز بایستی توجه همکاران محترم را به يك نکته بسیار اساسی و مهم جلب کنم و آن اینست که اگر ما در برنامه‌های اول و دوم و قسمتی از برنامه سوم آن توفیقی را که ملت ایران آرزو مند بود بدست نیاوریم آن بود که این برنامه‌ها قبل از انقلاب شاه و مردم بود انقلابی که در بهمن ۱۳۴۱ بنا به اراده شاهنشاه آریامهر در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی صورت گرفت بسیاری از شیوه‌های مردود زندگی را در روابط افراد دگرگون ساخت و باعث شد که مبانی برنامه‌گذاری در جهت تأمین رفاه عمومی تکمیل بشود و موجبات گسترش عدالت اجتماعی که اساس و پایه هر گونه برنامه‌گذاری است فراهم شود اگر چه قبل از انقلاب طی سال‌های متعددی نمونه‌های مختلف از برنامه‌گزاران را چه در بودجه‌های عمومی و با در برنامه‌های عمرانی داشتیم و اگر چه آنچه در برنامه‌های قبلی انجام شد پنهان و اساس محکمی را برای برنامه‌های آینده مملکت پایه‌گذاری کرد ولی بایستی اذعان کرد که از حاصل تلاش‌هایی که در اجرای برنامه‌ها بعمل آمد جز طبقه خاص و مخدودی که زندگی آنان مره‌تر گردید سایر مردم سهم زیادی نبردند و اگر چه رشد اقتصادی با النسبه قابل ملاحظه‌ای حاصل شد بیشتر توانگران و مالکان بزرگ از ثمرات آن بهره‌مند شدند.

بطور خلاصه نزدیک ۸۰٪ از درآمد ملی نصیب فقط ۱۸٪ از افراد جامعه میشد و سهم سایر طبقات از این درآمد بسیار اندک و ناچیز بود.

اما همانطور که قبلاً اشاره کردم انقلاب ششم بهمن شیوه توزیع درآمد ملی را دگرگون ساخت و توجه دولتهای بعد از انقلاب به این نکته معطوف شد که برنامه‌گزاران بر مبنای آن باشد که درآمدها بطور عادلانه توزیع شود.

بنده در اینجا لازم میدانم آنچه را در کتاب انقلاب سفید در تحلیل و تجزیه مسائل مختلف و مخصوصاً توزیع عادلانه ثروت مورد توجه خاص شاهنشاه آریامهر قرار گرفته است یاد آور شوم. با استفاده از امکانات خداداد این مملکت و با بهره‌برداری از ثروت‌های طبیعی و فراوان آن البته میشود به اصطلاح پول هنگفتی بدست آورد و با این پول احياناً راه‌های درجه یک ساخت و سدهای عظیم بنا کرد و ساختمانهای رفیع و بسیار زیبا ایجاد نمود ولی از این ساختمانها و سدها و راهها و امثال آن چه کسانی میبایست استفاده بکنند و چند نفر میبایست استفاده بکنند؟ آیا از این راهها فقط مالکینی که ثروتند بودند ثروت‌مندتر شوند؟ آیا میبایست تنها عدده معدودی که بنام هیئت حاکمه همه منابع و ثروتها را در دست خود تمرکز داده بودند متمتع تر و قویتر شوند؟

تا زمانیکه ثروت بطور عادلانه بین افراد جامعه توزیع نگردد فراوانی آن چیز مهمی بنظر نمی‌رسد بدیهی است اگر میبایست تمام فعالیتها و بهره‌بردارها از منابع طبیعی و انسانی مملکت به این نتیجه برسند این کار هیچ نفعی برای ملت و اقمی ایران در برداشت و در واقع کوشش بی‌مورد و حتی ظالمانه بود. ملاحظه میفرمائید که شاهنشاه بهترین وجهی ضرورت تعادل طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت ملی را تشریح و توصیف فرموده اند و برنامه کار مملکت را بر این اساس استوار داشته‌اند که:

یک انقلاب عمیق و اساسی در يك زمان و بابا که جنبش تمام تناقضات اجتماعی و تمام عواملی که باعث بیعدالتی و ظلم و استثمار میشود پایان بدهند و در کلیه برنامه‌گزاران حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی و تقویت آن مورد توجه و عنایت خاص قرار گیرد.

و اما اینکه بنده در موافقت با این لایحه عرض می‌کنم آنستکه در درجه اول:

هدف برنامه مجموعاً در توسعه صنعتی و کشاورزی و بهبود وضع زندگی اجتماعی در جهت تأمین رشد اقتصادی است و این رشد اقتصادی منحصر و محدود به قسمت خصوصی از اعضاء جامعه نیست و با اجرای این برنامه عامه مردم بیش از پیش از برکات و ثمرات از دیاد سریع تولیدات ملی منتفع

بهره‌مند خواهند شد و از آسایش و رفاه بیشتری برخوردار خواهند گردید.

در درجه دوم نکته‌ای را که لازمست بدان اشاره کنم حجم اعتباری است که در این برنامه مقیاس یا برنامه سوم دو برابر پیش بینی شده است و در مقیاس با برنامه عمرانی اول ۲۰ برابر است که لاف اول ۴ برابر اعتبار برنامه گذشته است و بنده فکر می‌کنم که مادامیکه از اعتبارات برنامه سوم مخصوصاً آن قسمت که بعد از انقلاب بوده است کارهای مهم و پردامنه و وسیعی انجام یافته است و از جمله راهها، مدارس، تعداد ساختمانها و تجهیزات دانشگاه تهران در برنامه سوم تقریباً معادل تمام آنچه است که در گذشته انجام شده بوده است بیمارستانها و بالاضحی اعتباراتی که در امر سیاه‌دانش و مبارزه با سیوازی از آن استفاده شده بدرجای که تمام دنیا شاهنشاه و کشور ما را پرچمدار مبارزه با جهل و بیسوادی میشناسند و سیاهیان بهداشت و بالاخره تحقق بخشیدن به یسکی از بزرگترین آرزوهای دیرینه ملی یعنی ایجاد ذوب آهن و همچنین پتروشیمی و لوله کشی سراسری گاز و غیره و غیره انجام شده است و باعث بالا رفتن رشد ملی ما به نسبت نزدیک ۸٪ شده است مسلماً با امکانات موجوده و زیر بنای محکمی که موجود آمده است و اعتبارات فوق العاده‌ای که در برنامه چهارم مصرف خواهد رسید مسلماً آنچه انجام خواهد پذیرفت شاید برای ما هم که در مسیر این تحول فرار گرفته‌ایم اعجاب آور باشد.

مسئله‌ای بدان اشاره شد که چرا قسمتی از فصول برنامه سوم بطور مثال لوله کشی گاز یا پتروشیمی و یا ذوب آهن قبلاً پیش بینی نشده بود.

درست است که در پیدایش این برنامه‌ها نیز دولت عربی از رهبری شاهنشاه خردمند و عالیقدر ایران برخوردار بوده است ولی نبایستی فراموش کرد مملکتی که در حال پیشرفت است و میخواهد آنچه میکند متکی بر آخرین روشها و اصول علمی باشد و بر اصول انقلاب پایه‌گذاری بکند و نظر گرفتن پیشرفت علم و صنعت و روشها مسلماً ناگزیر است در چنین اجزای برنامه تغییراتی را که لازمست بدهد و در صورت لزوم از انجام قسمتی از برنامه که با اصول

جدید منطبق نیست صرف نظر کند و اعتبارات آنرا به صرف دیگر برساند.

همانطور که جناب آقای یخست وزیر و سه روز قبل در سخنرانی که در بانک مرکزی ایراد کردند اشاره کردند حتی در همین برنامه که با مطالعات کافی و در نهایت دقت هم انجام شده در صورت لزوم تغییراتی خواهند داد و این به هیچ وجه مورد ایراد نیست بلکه مراقبت و بیداری و توجه دولت را به پیشرفتهای علمی و تحولات بین‌المللی میرساند.

بهر حال در برنامه‌های چهارم گذشته از توجه به مسائل مختلف کشاورزی صنعت و معادن آب و برق عمران شهرها و روستاها که همه مسائلی است که آقای دکتر الموتی بدان اشاره کردند پیش بینی شده است ولی بنده لازم میدانم از جهت ارتباطی که با حرفه پزشکی و دانشکاهی من دارد به چند موضوع دیگر اشاره کنم برنامه آموزش است که توجهی است که به پیشرفت این امر در برنامه چهارم شده است توسعه و افزایش مدارس حرفه‌ای است که همانطور که شاهنشاه آریامهر به آن اشاره فرموده‌اند بیش از هر چیز مورد نیاز مملکت است.

در مورد دانشگاهها و اینکه تعداد ۳۷۰۰۰ دانشجو در آخر برنامه سوم به ۶۰۰۰۰ در آخر برنامه چهارم برسد و افزایش پیدا کند با توجه به اینکه تعداد دانشجویان تقریباً به دو برابر افزایش پیدا خواهد کرد و اینکه یکی از مشکلات بزرگ و اساسی را که همه ساله مملکت با آن مواجه است یعنی ماندن جوانان پشت در دانشگاهها به نسبت زیادی حل خواهد کرد بسیار درخور ستایش است.

به این ترتیب تعداد قابل توجه از نیروی انسانی را که در پیشبرد برنامه‌های آینده مملکت مورد احتیاج است تهیه خواهد کرد و دانشگاههای ما را در ردیف مترقی ترین دانشگاههای دنیا در خواهد آورد البته ایجاد دانشگاه هم مسلماً بایستی بر اصول اقتصادی و علمی استوار باشد و نه آنطور که همکار محترم آقای دکتر فریور فرمودند این عوامل مورد نظر قرار نگیرد. در مورد دانشکده کشاورزی رضایه متأسفانه بایستی عرض کنم که برنامه بر اصول صحیح استوار نبوده و شاید علت اینکه این دانشکده امروز آن رونق و پیشرفت قابل ملاحظه را ندارد آنستکه به

نیروی انسانی مورد لزوم آن دانشکده در گذشته فکر نشده و وابسته به دانشکاه تهران بوده و کادر آموزش آنجا از تهران هیرفته در صورتیکه اگر آنجا را اصولاً مستقل اداره میکردند و با مثلاً وابسته به دانشکاه تبریز میکردند به منطبق نزدیکتر بود و نتایج بهتری از آن گرفته میشد بهر حال اطمینان دارم با وجود آمدن وزارت علوم و آموزش عالی و وزیر جوان و فعال آن به این ناسامانی ها خاتمه داده خواهد شد. موضوع دیگری که در برنامه چهارم مورد توجه خاص قرار گرفته مسئله تحقیقات است که همانطور که موقعیکه در دفاع از لایحه وزارت علوم و آموزش عالی عرض کردم امروز پیشرفت علم و دانش و حتی صنعت و کشاورزی اگر بر پایه تحقیقات نباشد مردود است و خوشبختانه بطوریکه ملاحظه میفرمائید در رشته های مختلف اعتبارات قابل توجهی برای تحقیقات در نظر گرفته شده است.

اما در مورد برنامه های بهداشتی و بهداری علاوه بر آنکه به موضوعاتی مانند:

- بررسی و مبارزه با بیماری های واگیر - بهداشت مادران و کودکان. کنترل بهداشت محیط مصون سازی - سرپرستی فرزندان و نظاینها آموزش بهداشت به مردم برپیشه کنی مالاریا و غیره توجه شده است.

در زمینه درمان ۱۴۵۰۰ تختخواب بیمارستانی و ۲۰ متر کز مختلط درمانی پیش بینی شده است که با توجه به اینکه تعداد تختخوابهای موجود کشور تا آخر سال ۲۵ در طی سالها در حدود دو برابر تختهای پیش بینی شده است اهمیت این موضوع روشن میشود فقط اینجا لازم است بنده تذکر کوچکی عرض کنم و همانطور که آقای دکتر ابراهیمی فرمودند در آخر برنامه سوم برای هر ۱۰ هزار نفر ۱۱ تختخواب پیش بینی شده که این را امیدوارم در آخر برنامه چهارم به ۱۵۰۰ تختخواب برسانند و این البته با در مقام مقایسه با استاندارد بین المللی همانطور که توضیح دادند خیلی زیاد نیست و در حقیقت ماهنوز به آن رشدی که مورد احتیاج هست نرسیده ایم برای اینکه در ممالک مرفهی این نسبت برای هر ۱۰ هزار نفر ۸۰ تا ۱۰۰ تا ۱۲۰ تختخواب است ولی بهر حال همانطور

منافق بیکاری در برنامه چهارم درخور تحسین است و امیدوارم که دولت در این زمینه توفیق کامل حاصل کند. دیگر مسئله ای که در قیاس با برنامه عمرانی سوم در این برنامه به چشم میخورد اختصاص قسمتی از اعتبارات عمرانی به برنامه رفاه اجتماعی است مفیده من هیچگونه فعالیت اقتصادی بدون توجه به گسترش خدمات رفاه اجتماعی به نتیجه مطلوب نمیرسد.

همانطور که همکاران محترم ملاحظه فرموده اند تغییر قابل ملاحظه ای به این امر (۴۸۵۰ میلیون ریال) اختصاص داده شده است و دولت حداکثر کوشش را خواهد کرد که گروه های کارگران و روستائیان از مزایای مادی و معنوی استفاده کنند و مسئله رفاه اجتماعی در مورد این طقات تحقق یابد.

امیدوارم همانطور که پیش بینی شده است در به تدریج این تحولات اساسی و عظیم که جامعه ایرانی را سراسر با ذکرگون خواهد ساخت و کشور عزیز ما را در رفاه و شرفی ترین کشورهای جهان در خواهد آورد تشکیلات داری و اجرائی نیز با این تحولات هم آهنگ شود و اصول و قواعد فرا کم و تمرکز بمورد اجرا و عمل درآید و ثمرات ننگره انقلاب اداری هر چه زودتر در شئون مختلف کشاورزی و صنعتی و اقتصادی و آموزشی و بهداشتی نمایان گردد زیرا مسلماً امکان پیشبرد برنامه ها بدون رسیدن به آن مبسر نیست.

یقین دارم این اعتبارات که مسلماً با نهایت دقت بمصرف خواهد رسید باعث خواهد شد که دستجات مختلف مردم به نفع جامعه را در اجرای برنامه عمرانی چهارم دخالت ده شوند و کلیه هدفهای این برنامه تحقق پذیرد و نبردهای دیرینه جامعه را در کوتاهترین مدت عملی سازد.

برنامه آینده پر شکوه کشوری آباد و مرفه تر قی را نوید میدهند بنده به سبب سواها و دفاع از لایحه را بعهده آقای دکتر کاظم زاده و محترم کمیسیون برنامه میگذارم.

در خاتمه توفیق دولت حزبی را در پیشبرد برنامه بزرگ ایران از خداوند بکاممصلت نموده از توجهی که

همکاران گرامی به عرایض معطوف فرمودند سپاسگزاری مینماید (احسنت).

رئیس - آقای دکتر عاملی تشریف بیاورید.

دکتر عاملی - جناب آقای رئیس، نمایندگان

ارجمند، حضار محترم، من در آغاز سختم باید از اینکه بسبب نداشتن وقت کافی توفیق آنرا نداشتم که مطالبی را که باید بعرض برسانم در قسمتهای مشخص تنظیم و تدوین بکنم بوزش میطلسم بهمین دلیل شاید ناگزیر باشم مطالب را بطور قسمت قسمت، قسمتهائیکه شاید زیاد بستگی با یکدیگر نداشته باشد، ولی البته همه پیرامون برنامه و برنامه ریزی و ناظر به عمران چهارم خواهد بود بعرض برسانم اولین نکته ای را که باید در اصول برنامه ریزی بعرض برسانم آن است که تناسب انقلاب اجتماعی ایران لازم است که ما روح انقلاب را بهمه شئون و از جمله به برنامه ریزی هم انتقال بدهیم و بالاخره ما یک روز لازم است که این مسئله را حل کنیم که ما برنامه ریزی را صرفاً یک پدیده اقتصادی و مسئله ای در چهارچوب اقتصادی میدانیم یا میخواهیم مسئله مربوط به عالم واقعات و بجهان ملتبارا بشناسیم این دو طرز فکر جدا گانه است قسمتی از عدم موفقیت های ماضی برنامه های اول و دوم و سوم مربوط بوده است به تعابلی که بینش برنامه ریزی ما به امر اقتصاد بوده دید صرف اقتصادی داشت و آنچه از حیانه راه برنامه سوم سبب توفیقهایی بیشتری برای برنامه سوم گشت صرفاً این بود که تعابلی ما از یک دید صرف اقتصادی انعطاف پیدا کرد به یک دید واقع بینانه به اصطلاح ما ناسیونالیستی این چنین نیست که ما جامعه های دنیا را صرفاً از لحاظ ضوابط اقتصادی و فاکتورهای اقتصادی و عوامل اقتصادی تقسیم بندی کنیم و بخواهیم برنامه هایی را بمنوان الگو انتخاب کنیم این الگو تطبیق داشته باشد با خصوصیات اقتصادی جامعه های مشابه، به این معنی که چندین سال پیش نظریاتی بواج پیدا کرد و اجتماعات را ابتدا شاید بدون داشتن ضوابط دقیقی به عقب مانده و پیشرفته تقسیم کردند باید از بعضی دانشمندان از جمله رستو متشکر بود که لا اقل ضوابطی را در این ضمن بیان داشتند و برای

تقسیم بندی اجتماعات بر حسب میزان عقب ماندگی و پیشرفتگی ضابطه‌هایی که قابل سنجش باشد بیان کردند از جمله توانائی يك اجتماع را از لحاظ قدرت سرمایه - گزارى يكى از ضوابط تشخیص دادند و بر این اساس اجتماعات را به عقب مانده، در حال رشد، در حال جهش و پیشرفته تقسیم کردند البته شاید این مراتب از لحاظ دانشمندان بخصوص با دقت بیشتری تنظیم شده در اینجا اشاره من بشرح نظریات آنها نیست بلکه بیک نکته‌ای می‌خواهم توجه حضار محترم را جلب کنم که اگر به آن نکته توجه داشته باشیم شاید به اصول دیگر و اصولی متناسب با انقلاب اجتماعی ایران برسیم و در امر برنامه‌گزارى بتوانیم آن را مورد توجه قرار بدهیم. بموجب این تقسیمات تمام اجتماعاتی که بتوانند ۲۰ درصد از درآمد ملی‌شان را بعنوان پس انداز صرف برنامه‌گزارى کنند اینها در قالب معینی و الگوی معینی قرار داده شده‌اند و برای تمام این جامعه‌ها راه و روش خاصی را پیشنهاد میکنند در صورتیکه این طرز دید برنامه‌ریزی و دید اقتصادی صرف سبب پدید آمدن اشکالات بسیار و گاه سبب پدید آمدن مسائل بسیار میشود در تنظیم برنامه اول و دوم و سوم ما همیشه با چنین نظر بانی که تناسب با نیازهای اجتماع ما نداشت برابر بودیم. در ضمن این برنامه‌ها همیشه ما را از داشتن صنایع، و صنایع سنگین بر حذر میداشتند در ضمن این برنامه‌ها حتی تجویز نمیکردند که ما از تکنیک‌های پیشرفته‌تری در امر کشاورزی استفاده کنیم در بسیاری از این موارد بطوریکه مناسبتی با اجتماع ما نداشت و اگذار کردن کارها را بر مردم تجویز میکردند کارهایی که هنوز در اجتماع ما ضرورت بسیار دارد که بوسیله دولت بر مرحله اجرا و انجام در بیاید و بهمین دلیل حتی در برنامه سوم اتکاء کاملی بر صنعت ذوب آهن نشده، بر صنایع نفتی نشده در حالیکه همه ما شاهد و ناظر این بودیم که قسمتی از صنایع ملی ما بشکل گاز دود میشد و به آسمان میرفت با وجود این پیش‌بینی‌های لازم برای بکار گرفتن این بخش از ثروت و سرمایه ملی منظور نشده بود (صحیح است)

در مورد امور اجتماعی ضروریات جامعه ما روشن بود ما میدانستیم که احتیاج به طرح‌هایی داریم که بتوانیم با تحرك بیشتر لاف‌سوا را به روستاها ببریم ولی چون از الگوئی الهام گرفته‌اند یعنی از آن کشورهایی که مطابق يك ضوابط اقتصادی مشابه کشور ما بودند فرض کنیم در آن کشورها چیزی بنام سپاه دانش یا بهداشت وجود نداشت بنابراین در الگوی مورد قبول ما هم چنین پیش‌بینی‌های انقلابی منظور نشده بود بهمین دلیل برنامه‌های ارائه شد که بر اساس رفته‌ها تطبیق میکرد بر شرایط کشورهایی که از لحاظ آن رفته‌ها با ما مشابه بودند ولی نمیتوانست تطبیق کند با کشورهایی که از لحاظ آرمانها و ایده‌آلها از لحاظ اقتصادی سیاست ملی ما با واقع کشور ما تطبیق داشته باشد چون هر کشوری در يك موقعیت جهانی و يك موقعیت جغرافیائی قرار میگیرد که لامعاله شرایطش با شرایط کشور دیگری فرق میکند بنابراین من در اینجا می‌خواهم توجه خانها و آقایان را معطوف بیک مسئله‌ای بکنم ما يك وجه مشابهتی با جوامع دیگر داریم یعنی هر دو موجودی را با هم سنجید يك وجه مشابهتی با هم دارند اما در عین حال يك وجه افتراقی هم با جوامع دیگر داریم، هم وجه مشابهت ما واقعیت است هم وجه افتراق ما واقعیت است آنچه را که من می‌خواهم بعنوان اصلی در اینجا عرض کنم این است که آنکه برنامه‌ریزی ما باید بیش از آنچه بر واقعیات ناشی از وجود مشابهت ما هست بر واقعیتهای ناشی از وجود افتراق ما باشد (صحیح است) چون آن واقعیتهای که ناشی از وجود افتراق ما است آنهایی است که تطبیق میکند با خصوصیات ملی ما با آن خصوصیتانی که نمیتواند در میان ملت‌های دیگر قابل اشتراك باشد بحکم ضرورت‌های جغرافیائی و سیاست ملی در این مورد مثالی میزنم ما از این جهت که میتوانیم ۲۰ درصد سرمایه‌گزارى کنیم با بسیاری از کشورها مشابه هستیم ولی بمسائلی نگاه کنیم که در داشتن آن مسائل با کشورهای دیگری نمیتوانیم مشابه باشیم به این مسئله نگاه کنیم که گرداگرد مین ما همیشه مشغول بمسائلی بوده‌اند که آن مسائل قصد تعرض و تجاوز بحقوق ملت

مارا داشته است (صحیح است) به این مسئله نگاه کنیم که شاید هیچ کشوری در دنیا در قسمت جنوبی آن حوزه آبی مثل خلیج فارس و مسائل این خلیج وجود ندارد ما گمان میکنیم که از يك امنیت ابدی طرح بر نامه میکنیم در صورتیکه اول میبایست آن جایگاهی که بر نامه‌های ما باید در آن پیاده شود تأمین داشته باشد و سپس بتوانیم جوهری را در سرزمینی سرمایه‌گذاری کنیم و انتظار بهره‌برداری داشته باشیم مسائل سیاسی که ما را احاطه کرده این مسائل خاص ملت ما است تاریخ ما نشان میدهد که سرزمینهای ما سرزمینهای مورد حسادت است سرزمینهایی است که در معرض تجاوزهای احتمالی است شما شرق ایران نگاه کنید آیا شرق ایران مسائلی که دارد عیناً در تمام واحدهای اجتماعی که قدرت این را دارند که ۲۰ درصد سرمایه‌گذاری کنند عیناً همین مسائل هم برای آنها وجود دارد؟ مادر کنار يك طوفان يك خروشی از يك حرکت تاریخی قرار داریم که در هر سال شمسی برابر جمعیت کنونی ملت ما بجمعیتش اضافه میشود آیا باید این واقعیات تاریخی را نبینیم؟ آیا بر نامه‌های ما منظور برنامه‌هاییست که ما را نمیتواند در برابر چنین سیل‌هایی حفاظت بکند من اولین مسأله‌ای را که اجازه می‌خواهم به آن بپردازم مسئله سیاست جمعیت است سیاست جمعیت در این کتاب درست مطابق الگوهای تنظیم شده سیاست‌های اقتصادی مطرح شده است یعنی جمعیت چقدر رشد دارد و زندگی اقتصادی ما چقدر باید باشد و بخاطر تأمین آن رشد اقتصادی چقدر باید جلوی رشد جمعیت را بگیریم شاید یکی از آن نقطه‌نظرهایی که مبانی نظری ما را با مبانی نظری تنظیم کنندگان برنامه که من نمایانم حالا حزب مسئولیت این برنامه را قبول میکنند یا نه تشکیل میدهد توجه به این مسأله است میگویند می‌خواهیم به رشدی برابر ۹ درصد برسیم، کاری نداریم، رشد ۹ درصد ضابطه نیست چیست؟ عبارت است از درآمد ناخالص ملی تقسیم بر جمعیت ما اصرار داریم این رقم ۹ را زانکه داریم و به آن برسیم پس دو کار باید بکنیم یا کوشش کنیم که صورت بزرگتر افزایش پیدا بکند یعنی درآمد ملی ما زیاد شود یا کوشش کنیم که مخرج این کسر کوچک شود یعنی

جمعیتمان کم بشود یا هر دو سیاست را تماماً بکار ببریم یعنی بالاخره کوشش کنیم که جمعیت از يك حدی بیشتر نشود این اصل چرایی پیدا شده؟ این بینش چرایی پیدا شده؟ بینشی که تجویز میکند جلوگیری از بکار برای اینکه ما می‌خواهیم از همان الگوهای اقتصادی که مختص کشورهایی است که توانائی بیشتر از ۱۸ درصد سرمایه‌گذاری ندارند تبعیت کنیم به همان توصیه‌ها می‌خواهیم کوشش بدهیم و بهمین دلیل هم هست که قسمتی از طرح‌های برنامه پنج‌ساله آینده و متأسفانه قسمتی از بودجه مملکت در سال جاری و سال آینده به برنامه‌هایی اختصاص داده شده که مختص جلوگیری از جمعیت است (بانو تربیت - در تمام دنیا جناب آقای دکتر عاملی جمعیتی را طالب هستند که از نیروی سالم انسانی آن بتوانند استفاده کنند).

رئیس - اجازه بفرمائید صحبتشان را بکنند بعد جناب عالی میتوانید صحبت‌های خود را بفرمائید.

دکتر عاملی - بله، این مسئله را عرض می‌کردم که ما می‌خواهیم ببینیم بیشتر تابع آن الگوهای باشیم که مختص ملت‌های ۲۰ درصدی است یا اینکه تابع الگوهای باشیم که متناسب با يك ملت است که دو هزار و پانصد سال آئین شاهنشاهی خودش را بطور مداوم حفظ کرده و در آینده هم می‌خواهد این آئین را حفظ کند (بانو تربیت - هر دو) بله، هر دو ولی کدام سهمش در برنامه‌گذاری‌ها بیشتر باشد شما امروز شرق ایران را نگاه کنید من توجه حضار محترم را بفصل بسیار جالبی که در کتاب روابط سیاسی ایران و انگلیس بقلم شادروان محمود محمود درج شده است جلب میکنم در آن کتاب کسانی اوضاع سیاسی و اقتصادی و حتی جغرافیائی ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند یکی از آنها کتابی نوشته است بنام سرزمینهای مورد حسادت سرزمینهایی که چشم‌سیاست‌های استعماری همواره بر آن بوده و بهمین دلیل در شرق ایران مطالعات بسیاری کرد و توصیه‌هایی هم بهمان سیاست‌های استعماری کرد و من امروز بعد از ۵۰ سال انتشار آن کتاب واقعیات را بررسی میکنم مثل اینکه قدم به قدم آن دستور‌های استعماری در مورد شرق و جنوب ایران بر حلقه‌ها در آمد

و نتیجه این شده است که این سرزمینها کم کم از جمعیت خالی شده اند و امروز ما برای خطرانی که نمیتوانیم چشم از آن ببوشیم باید توجه داشته باشیم که کوشش ما باید این باشد که بکمک کار و کوشش و لوازمی که توأم با سختی و فداکاری باشد بتوانیم جمعیت را در کرباره در این فسمتهائیکه جمعیت پذیر است جمع کنیم (آفرین) چطور میتوانیم جمع کنیم؟ بوسیله کار، بوسیله تولید، تولیدی توأم با سختگیری، فداکاری و تحمل رنج نسل کنونی بخاطر نسلهای آینده ما نمیتوانم مسأله جمعیت سیاست جمعیت را تابع خوش گذرانی نسل کنونی و گاه تابع سیاست زیبایی انعام کنیم (آفرین) این مسأله خانواده و تنظیم خانواده حالا که مطرح شد اجازه بفرمائید که با دقت بیشتری مورد توجه قرار بگیرد من قبول دارم که باید خانوادههایی که خود آنها را طلب هستند در مورد تنظیم موالیدها دستورهای بهداشتی داد بخواند هائیکه طالب و مشتاق هستند که در مورد داشتن فرزندانشان فو اصلی تنظیم بشود باید به اینها دستورات بهداشتی داد ولی اگر ما بیائیم دلایل این برنامه خودمان را متکی بکنیم به اینکه در دنیا میگویند رشد جمعیت سریعتر از پرشمه واد غدائی نباشد و به این دلیل بخواهیم چنین اقدامی بکنیم اقدامی است مطابق الگوهای بیست درصدی نه مطابق مقتضیات ملی شما من مدارک زیادی دارم در این مورد که هر گاه مجربان این برنامه تنظیم خانواده شما بشهرها و روستاها رفتند و برنامه خودشانرا توزیع کردند و توضیح دادند بدلیلیکه جنبه جهانی دارد خواستند به این مسأله بدهند ما باید دقیقاً اینرا بدانیم که همین مسأله تنظیم جمعیت و سیاست جمعیت برای ملت ایران با ملت چین یا برای ملت هند که مسأله ایست که باید از دوردید جدا گانه نگریسته بشود و ما نمیتوانیم عین اعمال و روشهاییکه آنها هم تازه معلوم نیست که از مسائل ملی هند یا پاکستان سرچشمه گرفته باشد بلکه ممکن است توجه کارشناسان جهانی آن چنان باشد که من نمیدانم مصلحت آنها چیست ولی ما باید بدانیم که مصلحت ملت ایران چیست ما باید برنامه دفاع از جمعیت و حمایت از جمعیت داشته باشیم

(صحیح است) این باید یکی از درخشانیترین اصول برنامه کشور باشد این سرزمینهاییکه امروز خالی بنظر میرسد و ضربی را کندگی جمعیت بر آن ناچیز است این سرزمینها برای همیشه نمیتواند به این شکل باقی بماند و در اختیار ملت ایران باشد شما بتاریخ کشورهای غربی و بقاره های دیگر توجه بکنید چرا غربیها در سراسر جهان پراکنده شده اند و بسیاری از سرزمینهای دنیا را مهاجر نشین خودشان کرده اند (جوانشیر - تسلط تکنولوژی و علوما) (دکتر صدر - خالی از سکنه بودن) (دکتر میر علاء - بر تقال که جمعیت نداشت) (پزشک پور - عجب اشتباهان همین است) اول اینکه کشورهای غربی بتکنیک دست پیدا کردند، بتولید دست پیدا کردند و دوم اینکه آن سرزمینها بعلمت دوری از تکنیک پیشرفته و تولید نیرومند دارای جمعیت ناچیز بودند وقتی سفید پوستها با آمریکا آمدند با آنها نمیگفتند سفید پوستان آمدند میگفتند نسل بزرگ آمد یعنی آنهایکه هر چند میآید باز هم میآید دلیل بسیار قوی است و آن اینست که آنها نه تنها خالی تولیدند بلکه مخلوق تولیدند و برای آن جمعیت آنها فزونی گرفت که با امر تولید و تولید صنعتی پرداختند چون به امر تولید صنعتی پرداخت جمعش فزونی یافت ولی چند نتیجه میتوانیم بگیریم جمعیت آخرین محصول هر کوشش اقتصادی است جمعیت آخرین محصول توسعه اقتصادی است ما درست است که با ذریعہ عکسی باین مسئله نگاه میکنیم آنگاه آن ضریب اقتصادی برای ما ارزش پیدا کرده که حاضریم از مخرج کسر بگهیم من خواهش میکنم برنامه ای تحویل بدهید برنامه ای ارائه بدهید که متکی به اصولی باشد که مربوط بصورت این کسر باشد تدبیرهایی بکنید که ما بتوانیم میزان درآمد ملی و میزان تولید ملی خودمان را افزایش بدهیم اصلاً چرا میخواهیم تولید داشته باشیم بخاطر اینکه میتوانیم سیاست ملی خودمان را اعمال بکنیم سیاست ملی ماچی است؟ قسمتی از آن و مهمترین آن اینست که بتوانیم در ایران جمعیت ایرانی داشته باشیم این جمعیت ایرانی باید مورد حمایت باشد برنامه های ماعبارت باشد از فداکاری نسل کنونی بخاطر نسل آینده شما بسوق و گوناگون گوناگون گوناگون و تبلیغ میکنید که زیبایی اندام برای خانواده مهمتر از داشتن فرزند است (دکتر ضیائی اینطور نیست) (خانم تربیت - اجازه بفرمائید من توضیح

بدم چون امروز یکی از برنامه های مهم دولت مطرح است ناآقای دکتر قناعت بشوند مادر ایرانی هیچ وقت علاقمند باین امر نیست و میخواهد بچه های سالم بجامعه تحویل بدهد) من خیلی سیاستگرا ام از توضیح خانم تربیت بخصوص اینکه اجازه میفرمایند تا من بتوانم مطالب خودم را بطور تنظیم شده ای عرض بکنم عرض کردم و باز هم میگویم ماسهرگر مخالف بن نیستیم که در مانگاههایی که ویژه حمایت از خانواده ها است بعضی همان در مسائلی که زن باردار را هم راهنمایی میکند و برای تولد کودکش هم تعلیمات لازم میدهد همان مرگزم اگر لازم است و بعضیها با داوطلب هستند دستورهایی به آنها بدهند ولی هرگز بایک چنین برنامه ای که از لحاظ دقیق فنی هم اشکالات بسیار در کارش هست موافق نیستیم حالاً بعضی از آن اشکالات را من اشاره میکنم باینکه چنین برنامه ای از لحاظ دستورهای بهداشتی و دستورهای دارویی بطور قطع باید زیر نظر متخصصین باشد هر اقدامی ما در مورد دستورهای خانواده من البته اسم دیگری را نمیکذارم همین اسمی که خودتان گذاشتید عرض میکنم دستورات تنظیم خانواده در سطح روستاها که بوسیله اشخاص غیر متخصص داده شود تجویزی است که غده ای ناوارد را بعد از مردم مسلط میکنند و بهمین دلیل (دکتر ضیائی - علاء چنین برنامه ای نیست) و بهمین دلیل هست و این برنامه ای است که اتفاقاً رشدش سریعتر از سایر برنامه ها بود اساساً باید در این مورد به آثار و عوآف بعدی چنین برنامه هایی توجه مخصوص مبذول داشت و این توجهات بستگی استعمال بعضی از قرصها و وسائل را بصورت يك عمومی و کاری که هر کس با آن آشنا باشد و خود را متقاضی کند قرار ندهیم آنچه را که شما از آن میخواهید جدگیری بکنید در عین حال که یکی از امور زیست شناسی است که جامعه های دارای جمعیت باشد و سبب بشود که نسل کنونی عقیدت خود را به نسلهای آینده انتقال بدهد علاوه بر این همان امری که میخواهد جدگیری بکنید یکی از ضوابط اخلاقی اجتماع است، یکی از ضوابطی است که اخلاق خانواده را حفظ میکنند و اگر این مخصوصی که هست از بین برود مبنای اخلاق و

مبنای اخلاق خانوادگی متزلزل میشود بهمین دلیل همانطور که همیشه در جامعه پزشکی بخصوص در ضمن اسرار پزشکی این مسئله را ملحوظ داشته اند که تعلیمات و عملیات درمانی مربوط به این قسمت در اختیار عده ای بخصوص و واجد شرایط باشد و هرگز جنبه عمومی پیدا نکند بهمین دلیل است که این ضابطه باید ملحوظ بماند بهمین خاطر برای این کار احتیاج بوسائل و متخصص است و برای من بسیار جای تعجب است که اگر چنین برنامه هایی برای جلوگیری از جمعیت های جهان لازم است ابتداء آن کشورهای که دسترسی به متخصصین کافی دارند و تأسیسات بهداشتی و درمانی مجهز دارند چرا چنین برنامه ای را پیش نمیگیرند و اجرا نمیکند اگر این مسئله ای است که در سطح جهان باید عمل شود چرا کشورهای پیشرفته این مسأله نامرئی را بسوی نسلهای آینده خود نگرفته اند (آفرین) (دکتر رشتی چون چنین مشکلی نداشته اند) ولی در بسیاری از موارد جناب دکتر زشتی این توجه بکشورهای استعمار زده ای میشود که مشکلات آنها مشکلاتی است که استعمارگران برای آنها ایجاد کرده اند و بعنوان حل یک مسئله جهانی این مسائل بکشور های عقب مانده تر تعلیم و توصیه میشود در صورتیکه اگر واقعا این مسئله در سطح جهانی مطرح است بدلائل فنی لازم است آن کشور هائیکه پیشرفته تر هستند و متخصصین بیشتری دارند سازمانهای بهداشتی بیشتری دارند آنها باید پیشقدم بشوند آنها فداکاری کنند برفع جمعیتی که هنوز دارای متخصص و دلایلی را که فنی و پیشرفته نیست متأسفانه شأن مسأله طوری است که من در ساحت مقدس مجلس شورای ملی بازتر از این نمیتوانم بگویم ولی باید به این مسئله بخصوص از جهت موازین خانوادگی که توجه فوق العاده ای ملحوظ بشود این روش هائیکه شما در این در مانگاهها بیتان اعمال میکنید اینها نباید عمومیت پیدا کند والا عمومی شدن این روشها خطرناکتر از تر باک و سایر مواد مخدر است (صحیح است) (دکتر ضیائی - صحیح نیست) حالاً اگر چه اقدامات انقلابی در دولت معمول نبوده ولی در این مورد حتی انقلاب اداری انجام شده حتی یک معاون مخصوص برای این کار بسازمان معرفی شده و حتی این وظیفه را که

عرض میکنم و شما بهتر از هر کس میدانید که بدلیل تماسیکه این مسئله با مسئله هورمون‌شناسی دارد چقدر و تاجه حد در مرز مسائل تخصصی است و به اکیپهای سپاهی بهداشت تعلیم داده شده است که آنها در روستاها اعمال میکنند.

**دکتر پرتو اعظم** - راهنمایی میکنند.

**دکتر کفائی** - آنها دارو که نیسازند راهنمایی میکنند.

**دکتر عاملی** - ولی من خواهش میکنم این راهنمایی را اجازه نفرمائید از جهت تقویت جمعیت و از جهت راهنمایی جمعیت و حمایت جامعه بکنند (آفرین).

**پردلی** - آقای دکتر دولت لایحه ای را میآورد ما هم تصویب میکنیم مامشول هستیم یا خارجها؟

**دکتر عاملی تهرانی** - عرض کنم که آن يك بحث کلی است ولی ما باید ببینیم از توصیه های خارجی کدام را باید بپذیریم.

**دکتر کفائی** - خارجی توصیه نمیکند.

**دکتر عاملی تهرانی** - آقای محترم شما چرا این مطلب را میفرمائید بنده فکر میکنم از نظر حرفه ای که دارم باین مسائل نا آشنا نباشم این مسئله اول بوسیله مجامع خارجی در ایران توصیه شد در کشور ما مائمی و زنان شیراز برای اولین بار يك روز بحث رابه این مسئله اختصاص دادند و مطابق يك عادت ناپسندی که معمول است آن روز باینکه حداکثر جمعیت ایرانی بودند این بحث را بزبان فارسی نگفتند شاید به این سبب که مهر بیگانه بر آن آشکارتر باشد این بحث را بزبان انگلیسی ادامه دادند (صحیح است) و در اطاق دیگری هم فیلمهایی نشان دادند و مطلب این فیلمها این بود که چطور دارد جمعیت دنیا جلو میرود به تناسبی که از مواد غذایی تند تر رشد پیدا میکند که اشاره به فرضیه مالتوس و چیزهای دیگر شد و بعد فیلمهایی نشان دادند که مطابق همین منطبق بشود های دیگر توصیه کرده بودند که باید جلوی جمعیت خودشان را بگیرند این مسئله همواره در سطح مسائل جهانی مطرح شده و ما میگوئیم اگر صحیح است کشورهای پیشرفته مقدم بشوند آنها که وسیله بیشتر در اختیار دارند

میروند و استراحت میکنند و تخت میخوانند برای اینکه ایده اش این است که این درجه را حتماً بیاورد روی ۳۷ زندگی اش را تابع درجه کرده زندگی که و دبعه الهی است و به بشر بخشیده شده است که برود دوره خلق را ایجاد کند این را بخشیده بيك درجه و میخواید رقم را روی ۳۷ نگه دارد برنامه ریزی نباید بر نامه ریزی بیمار گونه باشد جمعیت را چرا فدای ضرب میکنید ضربا

فدای جمعیت کنید این ملت باید فردا هم زندگی کند اجازه نفرمائید میلیونها مردمی که گرسنه هستند و ما باید نمان آنها را بدهیم راه را آنسلسله های آینده بندسیم و سرزمینهای خود را خالی از سکنه نگذاریم؟ اتفاقاً هیچ نظری اگر از لحاظ علمی مطرح شود در طی زمان بی جواب نمیماند خوشبختانه به این مسئله هم توجه شده و به این مسئله هم پاسخ داده شده و پاسخ این است که درست است که هر آدمی که دنیا میآید يك شکم هم با خودش میآورد ولی این آدم دو بازو هم با خودش میآورد (آفرین) و از این مهمتر همین آدم يك مغز هم با خودش میآورد مقصود از برنامه ریزی این است که در جامعه آن توانائی تحرک را ایجاد کند که از همه بازوها و از همه مغزها استفاده نمود (احسن) نه اینکه يك رقم را بگیرند و بگویند اگر از صورت نتوانستیم برسیم از مخرج میرسیم بر رقم ۹ این صحیح نیست این را میگویند برنامه ریزی بیمار گونه یعنی هدفهای ملی را تابع ضرایب اقتصادی کرده و به اعداد توجه شده اجازه نفرمائید مثال دیگری بزنم شاید این مسئله را حل کند یکی از ضروریات ملی هر ملتی تأمین و حفظ مرزهاست و وجود تأمین ملی اش حفظ مرزهاست این حفظ مرزها يك اصل کلی است و باید در همه مرزها قدرت دفاعی داشته باشد آیا میشود يك ملتی بگوید که ما برای اینکه ضرب خاصی را رعایت کنیم و بر شد خاصی برسیم يك دهم مرزها را مورد دفاع قرار میدهیم.

**جوانشیر** - آقای دکتر عاملی این جمعیت است که میچنگد با صنعت و علم و تکنولوژی؟

**رئیس** - بنده وظیفه خودم میدانم که توضیحی خدمت خانمها و آقایان بدهم و آن این است که حالا شور

میروند و استراحت میکنند و تخت میخوانند برای اینکه ایده اش این است که این درجه را حتماً بیاورد روی ۳۷ زندگی اش را تابع درجه کرده زندگی که و دبعه الهی است و به بشر بخشیده شده است که برود دوره خلق را ایجاد کند این را بخشیده بيك درجه و میخواید رقم را روی ۳۷ نگه دارد برنامه ریزی نباید بر نامه ریزی بیمار گونه باشد جمعیت را چرا فدای ضرب میکنید ضربا

فدای جمعیت کنید این ملت باید فردا هم زندگی کند اجازه نفرمائید میلیونها مردمی که گرسنه هستند و ما باید نمان آنها را بدهیم راه را آنسلسله های آینده بندسیم و سرزمینهای خود را خالی از سکنه نگذاریم؟ اتفاقاً هیچ نظری اگر از لحاظ علمی مطرح شود در طی زمان بی جواب نمیماند خوشبختانه به این مسئله هم توجه شده و به این مسئله هم پاسخ داده شده و پاسخ این است که درست است که هر آدمی که دنیا میآید يك شکم هم با خودش میآورد ولی این آدم دو بازو هم با خودش میآورد (آفرین) و از این مهمتر همین آدم يك مغز هم با خودش میآورد مقصود از برنامه ریزی این است که در جامعه آن توانائی تحرک را ایجاد کند که از همه بازوها و از همه مغزها استفاده نمود (احسن) نه اینکه يك رقم را بگیرند و بگویند اگر از صورت نتوانستیم برسیم از مخرج میرسیم بر رقم ۹ این صحیح نیست این را میگویند برنامه ریزی بیمار گونه یعنی هدفهای ملی را تابع ضرایب اقتصادی کرده و به اعداد توجه شده اجازه نفرمائید مثال دیگری بزنم شاید این مسئله را حل کند یکی از ضروریات ملی هر ملتی تأمین و حفظ مرزهاست و وجود تأمین ملی اش حفظ مرزهاست این حفظ مرزها يك اصل کلی است و باید در همه مرزها قدرت دفاعی داشته باشد آیا میشود يك ملتی بگوید که ما برای اینکه ضرب خاصی را رعایت کنیم و بر شد خاصی برسیم يك دهم مرزها را مورد دفاع قرار میدهیم.

اول این لایحه است و جای این صحبتها در کمیسیون است هر کس پیشنهادی دارد بدهد در کمیسیون رسیدگی میشود و در جلسه باید ناطق صحبت خودش را بکند و الا در جلسه که نمیشود بحث کرد.

**دکتر اسفندیاری** - يك عده قبل از ایشان صحبت کردند و بحث هم کردند.

**دکتر عاملی تهرانی** - خیلی سیاستگزارم که این تذکره را دادید و مباحث بیشتری بمن میدید که بیشتر صحبت کنم (خواجه نوری - جناب عالی خیلی هم بلدند صحبت میفرمائید) و جناب عالی هم آقای خواجه نوری خیلی آرام و ملایم صحبت نمیکنید چطور طرز صحبتهای ما اسباب ناراحتی شما میشود (دکتر یزدان پناه - سلامتی شما علاقمندیم) شما به نسلهای آینده توجه کنید نه اینکه جلوی تولید مثل را بگیرید (خواجه نوری - شما هم باید در این برنامه شرکت کنید) من سعی میکنم آهسته تر صحبت کنم و این دقیقاً ارتباط دارد بمسئله اینکه در بحث گذشته صحبت شد و ایراد اصولی گرفته شد که فعالیت اصولی بر نامه مورد توجه باشد و باید در همین قانونی که ما اجازه میدهیم که بموجب آن ۴۸۵ میلیارد خرج بشود اصول آن روشن شود تا ما ببینیم که در این برنامه چه فاکتورهائی با چه عاملهائی به آنها اولویت داده شده و چه مسائلی اساسی فرض شده است و چه مسائلی تابع آن قرار گرفته است بعقیده ما تأمین سیاست ملی آینده نگرى در امر برنامه ریزی آن خصوصياتی که بتواند ملت را در سالهای آینده حفظ بکند و در شرایط جهان آینده بآن امکان تکامل و توسعه بدهد آنهاست که باید بعنوان اصول بر نامه و اساس برنامه شناخته شود سایر سیاستها باید تابعی از آن باشد در همین جا چون نزدیکتر هستیم سیاست درمانی که در ضمن برنامه ملحوظ شده لازم است که تذکرات خود را در مورد سیاست درمانی ملی عرض کنم و امیدوار هستم که در این مورد همکاران از جنمند فرصت بیشتری را عنایت نفرمائید و تحمل بیشتری داشته باشند تا بتوانم در مورد سیاست درمانی نکاتی را که لازم است بعضی برسانم.

**دکتر صدر** - نماینده دولت حضور ندارد

دکتر مهدب - کوش تا کوش نمایندگان دولت هستند و دنیای آینده برای چنین امر مهم پیش باید میگویند رئیس - این آقایان نمایندگان دولت هستند.

دکتر عاملی - برنامه باید شکل دهنده آینده جامعه باشد و یکی از خصوصیات آن که باید بعنوان اصول و هدفها در برنامه مطرح شود و کسی که میخواهد به برنامه رای بدهد بآن نکات روشن شود این است که این برنامه بهر يك از شئون اجتماعی مادر آینده چه شکلی خواهد بخشید یکی از آن شئون که باید شکل مطلوبی را در آینده داشته باشد سیاست درمانی است سیاست درمانی در شرایط عمومی و بنحو خاصی است و آن نحو خاص این است که درمان بعنوان يك شغل تلقی شده است حتی امر درمان عبارت از يك شغل بود بنا بر این باید تابع مسئله سود و زیان باشد و بدنبال محیط هائی حرکت کند که در آن بتواند بهره وری بیشتر داشته باشد و سود بیشتر بدست بیاورد و همین دلیل است که ما اگر امروز پیرا کتد کسی سازمانهای درمانی خودمان را نیست پیرا کتد کسی جمعیت مقایسه کنیم متوجه میشویم قدمت اعظم سازمانهای درمانی امر کزی پیدا کرده در هر گز در چند شهر بزرگ درجه يك آنچه که میبایست در این سیاست تحول پیدا کند این است که باید با این اصل برسیم که مسائل درمانی دیگر شغل نیست و مسائل درمانی خدمت است همانطور که قضاوت شغل نیست قضاوت خدمت است و واقعاً هم نباید شغل نباشد و خدمت باشد (صحیح است) برنامه آینده ما را باید به این طرف سوق بدهد به اینطرف هدایت بکند که ما بتوانیم مراکز خدمت پزشکی را در هر جائیکه جمعیت است هدایت بکنیم و نسبت پیرا کتد کسی جمعیت تطبیق بدهیم برای این امر اول این است که پزشکی خدمت شناخته شود و از هر نوع جنبه انتفاعی دور باشد (احسن) از سلافتی سرچشمه بگیرد که آنها مفید باشند برای درمان برای يك ملت همانطور که آموزشی برای يك ملت است و باید تأمین کننده نیازهای ملت در آن شان بخصوص باشد در صورتیکه در این برنامه ما داریم کم کم آن مقدار خدمات پزشکی و درمانی را هم بتدریج معدوم میکنیم و جای آنرا میسریم به آنهاستیکه در امر طبابت امروز جنبه شغلی را در نظر دارند نه دید خدمت و این خطرناکترین آینده است که ممکن است در دنیای امروز

بیمارستان خصوصی هست که خیلی خوب ترتیب داده شده است ولی بگذارید این مسئله بخش خصوصی معنی و مفهوم خودش را داشته باشد بخش خصوصی یعنی آن نیروهائی که خودشان توانائی سرمایه گذاری دارند البته در امر صنعت در امر تولید شاید سیاست لازم باشد که بهر وسیله ای در نقاطی لازم است مراکز تولید صنعتی یا کشاورزی بوجود بیاورد ولی آیا باید مؤسسات عام المنفعه آنها هم تابع تشویق سرمایه گذاری بشوند که مؤسسات تولیدی از آن استفاده میکنند ما میخواهیم سرمایه گذاری را در بخش خصوصی ترویج کنیم ولی نگذارید در صنایعی باشد که بار آور باشد در کشاورزی باشد و در امور عام المنفعه سرمایه گذاری خصوصی را تجویز کنیم این سیاست صحیح نیست و آیا مانا است میتوانیم هر فارغ التحصیل پزشکی را بهش سرمایه بدهیم من این سیاست و امهائی را که میخواهند در مورد بیمارستانهای خصوصی بگروههای پزشکی بدهند با دیگر بافت بیشتری در اینجا مطرح خواهم کرد اگر این سیاست بخواهد مانع این شود که در آینده هیچ فارغ التحصیل پزشکی راغب بکار دولتی نباشد سیاست بسیار خطرناکی است (صحیح است) و همین امروز میبایست بخصوص مؤسسات ارتزی به این خطر توجه کنند، اگر منطبق ما این باشد که هر کسی میخواهد در این مملکت پزشکی کند باید دولت پول بدهد که بیمارستان بسازد و بدهد هم مرض باو بدهد که و امش را مستهک کند پس بگوئید در این پاسگاههای مرزی کسی نباید برود خدمت کند بنی باید آن اصولی را که ما بموجب انقلاب نسخ کردیم اختلاف طبقاتی را از بین بردیم حالا بیائیم این اصول را در تمام شئون اجتماعی خودمان راه بدهیم و یکی دوجور بزنک بوجود بیاوریم، يك جور آن پزشکی که توانائی دارد که برود و ام بگیرد و يك جور پزشکی بدبختی که نتواند از ارفاق های دولت برخوردار بشود و چشمش کور باید برود در بدترین آب و هوا و با کمترین حقوق بسازد، نگذارید تبعیض بوجود بیاید این عملی نیست که ما به پزشکی و ام بدهیم که بیمارستان بسازد و بعد هم بیمار بدهیم که و ام ما را پس بدهد و اعمال چنین رویه ای باعث تبعیض میشود که يك عدمای گیرندگان و ام پیدا میشوند

و فخر خواهند کرد با نهائیکه دست گرفتن و ام ندارند، امکان گرفتن و ام ندارند اگر شما امروز میگوئید که ما نمیتوانیم استخدام کنیم حقوق کم است بعد از اینکه يك عده مرفه بوجود آمد که با پول دولت مرفه شدند آنوقت دیگر همه با آنها نگاه خواهند کرد و دیگر هیچ داوطلب پیدا نخواهد شد، این است که بیائید در اینجا روشن کنیم که آینده سیاست درمانی ما چیست، بگذارید همه جذب بشوند بخدمات پزشکی خواه این خدمت بوسیله دولت ارائه شود که در مواردی بیشتر این امکان را ندارد مگر اینکه دولت بخواهد وظایف درمانی خودش را فراموش بکند بگذارید این اشتیاق وجود داشته باشد که مردم بیایند در سازمانهای دولتی، رفاه آنها را فراهم کنید، اگر در شهرستانهای دور با نزدیک خدمت میکنند از لحاظ ظواهر زندگی آنها را یکسان کنند، شما نگاه کنید در دورترین صحراها آن شرکتها و مؤسسات نفتی که کارگاههای خودشان را پیاده میکنند در کنارش وسایل برای زندگی کارکنان خودشان فراهم میکنند در آن دستگاها طبیب هست و تمام متخصصینی که بخواهند هست ولی ما میگوئیم نمیشود، نمایند، در میروند، فرار میکنند، همین هائی را که شما میگوئید فرار میکنند تقریباً ارتش در يك رده حقوق نسبتاً متعادل نگاه میداد و برای اینکه ارتش در سیلین خودش را دنبال میکند ولی شما نمیخواهید در سیلین تان را اعمال کنید که بگوئید این سیستم ورشکسته است بعد به آنها و ام بدهید که بیمارستان بسازند و بعد هم بیمار بدهید که و ام را پس بدهند (اسدی - بیمارش هست ولی بیمارستان و طبیب نیست) انشاء الله برایتان از آن گروهها میفرستند، این نکته باید بطور دقیق و روشن در اینجا مورد توجه قرار بگیرد، درست است باید سرمایه گذاری را تشویق بکنیم ولی نه در امور عام المنفعه در اینجا باید مناسب تر آن باشد که مؤسسات عام المنفعه تشویق شوند، من موقع خودش مقایسه ای را ارائه خواهم داد، از ارزش بابتی و کار کرد مؤسسات دولتی در امور درمانی و مؤسسات عام المنفعه در امور درمانی و شاید هم اکنون شما با يك نظر بتوانید این مسئله را تأیید کنید در خیلی از شهرها که سازمانهای بهداشتی

چندین طیب دارند و شاید بودجه کافی دارند بیمارستان ندارند ولی شیر و خورشید سرخ که دارای یک طیب است دارای بیمارستان هم هست (اسدی) با سازمان شاهنشاهی) بلکه با سازمان شاهنشاهی و سایر مؤسسات دلبش هم خیلی واضح است برای اینکه شاید در آن دستگاهها دنبال این سیاست نیستند که ثابت کنند که دولت بیمارستان دار شایسته ای نیست تا بتوانند برای او ارائه طرحهای جدیدتری بکنند البته شاید من نتوانم برای هر یک از مطالبی که عرض میکنم آن مقدار توضیح بدهم که تمام در فایده و نکاتی که در آن هست روشن بکنم ولی بطور قطع برای طرح کنندگان برنامه این اشارات خیلی روشن است و ما باید برای سیاست درمانی شرایط را در تمام دستگاهها بهم شبیه کنیم شرایط و امتیازات خدمات درمانی در تمام دستگاهها و سیستمها باید بهم شبیه باشند، این یکی از اصولی است که باید رعایت بشود (پزشکپور) - برای هر خدمتی باید اینطور باشد (تا ما بتوانیم از موجودی نیروی انسانی که در این زمینه داریم استفاده کنیم آنچه که سبب میشود تحصیل کرده های خارجی ما به مین بر نمیگردند در این زمینه نیست که حقوق کمی دریافت میکنند آنها حاضرند که با حقوق کم سازمان دولتی در این زمینه است که تعویض میکنند (صحیح است) شما میخواهید معیاری بدهید که دیگری اگر خواست از خارج بیاید قبلاً بیرون بیاید و ما با آن بیمارها میدادیم اگر گفتند میدهیم بیاید و اگر گفتند نمیدهیم نیاید، باید بدانند که در این کشور شرایط خود سازی هست در پزشکی، آن کسی که دورتر از مرز خدمت میکند اگر مزایا و آسایش بیشتری داشته باشد خدمت بیشتری را میتوان انجام بدهد، جوانهای ما امکان خدمت ندارند، آنها را متهم نکنید که پول بیشتر میخواهند آنها امکان خدمت ندارند نگاهی به وضع آنهاست که بر گشته اند این حقیقت را نشان میدهد، کسانی که در کشورهای بیگانه چندین برابر حقوق معین دریافت میکردند آنها به مینشان بر گشتند نه برای اینکه شما به آنها پول بیشتری دادید بلکه به آنها ثابت کرده اید که میتوانند منظم تر باشند و میتوانند خدمت کنند (صحیح است) همین مردم محترمی که اخیراً

به ایران باز گشته بدون شك یکی از دانشمندان طراز اول دنیا است یعنی آقای پرفسور رضا، او به امید پول بیشتر به کشور برنگشته بلکه به این امید برنگشته که میدانند او را درستی قرار میدهند که بتواند منظم تر باشد شما میتواند به جوانانی که در خارج هستند ثابت کنید که شرایط مساوی وجود دارد. در اینجا وجودشان منظم تر واقع خواهد شد. میدانید چرا بر نمیگردند چون شنیده اند و این واقعیت دارد که یک جراح را میفرستند به بهبهان یا یک نقطه دور افتاده دیگر و این حکم تبعیدی را پیدا میکنند، هر چه تقاضا میکند من را از این شهر به آن شهر ببرید کسی به حرف او گوش نمیدهد و اگر بیاید که حرف خودش را در مرکز شفاهی بگوید او را میفرستند به دادگاه اداری که از محل خدمت خودش غیبت کرده در همان اوضاع و احوالی که این تبعیض روا میشود آنوقت از جهت دیگر به کسانی پول و وام میدهند تا از خزانه دولت بنام خودشان بیمارستان بسازند و بعد بیمار می دهند تا افساط دولت را با زیر داخت کنند، این شرایط باید از بین برده شود تا همه ببینند که امکان خدمت هست، ما ایرانی هستیم خیلی خوب شما به این دلیل که شهر شما شهر زیبائی نیست آیا هیچوقت منکر شده اید که اهل آنجا هستند؟ هر کسی اهل هر شهری است میگوید اهل آنجاست این شرایط زندگی ماست این آن چیزی است که خداوند ما داده و کسی از آن نمیگزیرد ولی از تبعیض و بیعدالتی میگزیرد و شما در این برنامه پایه هائی نگذارید که تبعیض را استوارتر و قطعی تر بکنند و انواع طیب بوجود نیایند (دکتر فریور) - و انقلاب اداری را مشکل تر) مسئله دیگر که در فضل رفاه اجتماعی باید به آن توجه کنیم مسئله آموزش است مسئله آموزش ملی باید با سیاست مشخصی در برنامه مورد توجه قرار بگیرد ما هنوز در این برنامه آن خطوطی را نمی بینیم که آموزش مطلق و سنتی ما را تبدیل به آموزش ملی کرده باشد شاید لازم باشد درباره این اصطلاحات به اختصار توضیح بدهم یک وقت در ایران مدارس جدید نبود و بعداً زنان و مردان کوشنده و ثابت قدمی پیدا شدند که میخواستند این موهبت را بیاورند، مساعدتها و کوششهای

بسیار و شاید با جانشینهای بسیار در شهرهای مختلف استان و دبیرستان ایجاد کردند، بعداً دولت هم دخالتهای خود را اعمال کرد، نظامات و مقرراتی برای این مدارس وضع کرد و در مرحله بعد مباشرتی هم در این کار قبول کرد به تأسیس دبستانها و دبیرستانها و مدارس دیگری همت گماشت در آنوقت که این مدارس تأسیس میشد نیازمندی ما به نوع درس خوانده ای و آفاقاً زیاد بود، بطوریکه این مدارس هر نوع فارغ التحصیل که داشتند بالاخره جذب میشد کسی درصدد تغییر دادن کیفیت فارغ التحصیلان با مشاغل که لازم است نبود شاید ضرورت هم نداشت برای اینکه ما کمتر لز نیازمندی تولید میکردیم و بهر حال مورد جذب قرار میگرفت ولی امروز ما در مرحله ای هستیم که نیازمندیهای ما تنوع پیدا کرد و توجه به آینده زود این تنوع را بیشتر کرده، بنابراین حالا دیگر نمیتوانیم بگوییم که همان مدارس که یک وقت داشتیم چنانگوی احتیاجات کنونی ما هستند و میبایست همان الگوها همان برنامه ها را کارا و پایایی نگذاریم و از همان فارغ التحصیلان که ده سال و بیست سال پیش داشتیم امروز هم داشته باشیم، در مورد دبستانهای دبیرستانهای ما چرخها بر همان منوال که می گشته است بگردد و تقاضا هم روز بروز بیشتر میشود و بازم از همین مدارس که داشتیم از همان مدارس بسازیم. همین دلیل است که دستگاههای آموزش ما منابع تقاضای مردم است فضائیکه بنام همدان سنتهای ۵۰ - ۶۰ ساله قدیمی است پس مردم بازم میخواهند دبستان داشته باشند آنهاست که استان دارند میخواهند دبیرستان داشته باشند آنهاست که استان دارند میخواهند مدارجی داشته باشند که تا جایی آنها بیسازانس مافوق بیسازانس و درجه دکترا بدهد قالب برده آموزشی ما این است و این قالب است که باید تغییر بکنند تا اینجا باید این نکته را توجه کنیم که آموزش یک سیستم است آموزش چند سیستم نیست آموزش عبارت از یک سیستم است که از یک طرف ماده خام را میپذیرد یعنی کودک دانش آموز را میپذیرد و این را اینقدر باید در تار و پود خودش نگاهدارد تا آنقدر سوزی دیگر کسی را بجای خود تحویل بدهد که در تمام اینها بخصوص تخصص بخصوصی داشته باشد این سیستم

قابل تجزیه نیست یعنی شما نمیتوانید یکی بگویید ما شمارا میگیریم ۶ سال تعلیمات ابتدائی میدهیم بقیه اش دیگر ما مربوط نیست بقیه اش را دیگر خودت میدانی این نیست یک سیستم آموزش ملی، سیستم آموزش ملی عبارت از یک کار گزینی است که میبایست کسانی را انتخاب کند برای کارهایی مهارت بدهد تا مرحله ای که بکار گماشته بشوند ولی در برنامه ما این سیستم تجزیه شده و جدت در این سیستم از میان رفته و پیش بینی شده است که ما دبیرستانهای خودمان را رفته رفته در بخش دولتی تقلیل بدهیم در این برنامه اظهار تأسف شده که چرا نتوانستند خودشان را از گیر تقاضای مردم نجات بدهند و دبیرستانها را زودتر از این تقلیل بدهند اگر کسی ابتدائی را دید شما باید در سیاست آموزش خودتان به این مسئله جواب بدهید که او باید چه بکند باید بگوید برو به مدرسه حرفه ای بآبرو بدمدرسه متوسطه در هر حال باید باو بگوید برو تحصیلات تمام شد، ترا برای یک کاری آماده کردیم برو برای آن کار با کار بایک نوع مدرسه و یاد بسیاری از شهرستانها هنوز سازمانهای حرفه ای نداریم قبلاً از آنکه بیشتر سعی کنیم و در آن شهرستان مدارس حرفه ای بوجود بیاید تصمیم گرفتید که جلوی دبیرستانهای آنها را بگیرد این است عیب کار اگر شما دبیرستانهای شهرستانها را با یک مدرسه دیگری عوض کنید سخنی نیست ولی مگر شما از شهرستانها دبیرستانها را بگیرد و چیز بدهید این یک برنامه اجحاف آمیزی خواهد بود (صحیح است) میگویند می سیریم به بخش خصوصی این موضوع را یک قدری تجزیه و تحلیل کنیم این یعنی چه؟ یعنی میسازیم بکسانی که از مردم پول بگیرند و با آنها درس بدهند این کار بدی نیست علی الاصول ولی آیا شما برنامه تان این است که جامعه ما را در آینده بدو طبقه تقسیم کنند یک طبقه کسی که تحصیلات عالی کرده باشد و وقتی از او می پرسید کجا درس خوانده ای جواب بدهد که در فلان دبستان خصوصی درس خواندم در فلان دبیرستان خصوصی هم ادامه تحصیل دادم در فلان دانشکده خصوصی هم تحصیلات خودم را تمام کردم پس من از یک طبقه مشخصی هستم همان رشتی که سالها در

دنیای استعمارگران دانش آموزان مدارس و کالج‌ها و مدارس مخصوص برای بقیه دنیا گیرفتند هر اندازه مدارس دبیرستان داریم این باید متناسب جمعیت دسراسر کشور تقسیم بشود ما نباید روشی پیش بگیریم که رشد دبیرستانها تابع رشد گروهائی بشود که بیول دسترسی بیشتری دارند (صحیح است) شما با این برنامه‌تان می‌خواهید توزیع عادلانه تری بوجود بیاورید یا می‌خواهید طبقات متشخص تری بوجود بیاورید طبیعتاً که طبقه متشخص بوجود می‌آید آن کسی است که وام دولت را گرفته تحصیل کرده آن طبقه هم که يك طبقه متشخصی میشود که تمام مدارج تحصیل را بقول خودش با پول بابایش تحصیل کرده در برابر آن کسیکه در شهرستانها دور افتاده درس خوانده او باید محرومیت بکشد برای اینکه شما جلوی تشکیل مدارس دولتی را میگیرید از سهمش کم میکنید این سهم باید بطور عادلانه ای دسراسر کشور تقسیم بشود یعنی ما باید اگر میگوئیم فرضا ۶۰ درصد از کسانی که دبستان را دیده اند اینها باید تحصیلاتشان را دنبال کنند چون ممکن است بگوئید عقیده شما این است که هر کس رفت در کلاس اول ابتدائی نشست پس حتماً باید اینقدر به او تعلیم بدهیم تا آخر که يك دیپلم دکترای بدهیم دستش من این حرف را نمی‌زنم من میگویم طراحان برنامه شما حساب میکنند که ۶۰٪ از دانش آموزان که دبستان شمارانجام کردند باید بزود دبیرستان ما میگوئیم این حساب صحیح است ۶۰ درصد باید بروند دبیرستان اما این ۶۰ درصد نباید در همه کشور امکان داشته باشند آن کسیکه در بندر لنگه است آن کسیکه در روستاهای مهاباد است آن کسیکه در اقصی نقاط مرزی با بدترین شرایط زندگی میکند برای آنها هم باید این امکان باشد که ۶۰ درصد از فارغ التحصیلان دبستانش دبیرستان بروند یا ۵۰ درصد از فارغ التحصیلان دبیرستانی به دانشگاه بروند این توزیع باید عادلانه باشد اما اگر آمدید تابع پول کردید تابع گروه پولدار و بی پول کردید این توزیع از شکل عادلانه خودش خارج میشود دانش آموز تهرانی از صد نفرش ۹۰ نفر امکان پیدا میکنند میروند دبیرستان ولی آن کسیکه در يك جای دور افتاده ای هست

از صد نفر دو نفرش هم نمیتواند بدبیرستان برود این توزیع عادلانه که در این برنامه به آن اشاره شده باید روشهایی برای آن در نظر گرفته شود یکی از آن روشها که شاید روشن است اصل در شکل دادن آینده مدارج اجتماع آینده ما همین مسئله آموزش است هر جور مدرسه ای که داریم در بین جمعیت باید متناسب تقسیم شود چنین عملی را من در تارو بود این برنامه نمی بینم ولی این نگرانی را در دستگاههای آموزشی می بینم که بیم آنرا دارند که اعتبار دستگاههای موجودشان دبیرستانهای موجودشان هم از آنها گرفته بشود توزیع مدرسه ها صرفاً باید تابع عامل جمعیت باشد و هرگز نباید اجازه داد که عامل پول در توزیع شاگرد بین مدارس گوناگون سهم داشته باشد والا هرگز نمیتوانیم به توزیع عادلانه ثروت برسیم (دکتر فریور - برخلاف اصول انقلاب هم هست) البته من در اینجا تنها به نکات اساسی و سرفصلهای مطلب اشاره میکنم شاید در فرصتهای آینده بتوانم در اینجا بطور دقیق نشان بدهم که چطور این توزیع ناعادلانه سبب خواهد شد که در آینده ما بطرف اجتماعی برویم که بموجب اصول انقلاب شاه و ملت از آن فرار کرده ایم و آن را در هم کسبیم آنچه که در آغاز گفتم باید اصول انقلاب در این برنامه گزارشی اعمال شود. بهمین معنی است ما می‌آموزیم دهقان را از دست ارباب آزاد کنیم و بعد راه مدرسه رفتن را بر روی فرزندان آنها به بندیم تا مارک اینک این يك وقت فرزند رعیت بوده تا بد زوی او بماند توزیع مدارس ما از هر طرف که داریم در روستا و شهر به نسبت جمعیت باید باشد در اینجا من به رقم هایی در مورد مسأله آموزش بان برخوردیم که گفته شده است هدف برنامه این است که در طول برنامه ۷۹۳۴٪ از دانش آموزان شهری و پنجاه و چند درصد از دانش آموزان روستائی را تعلیم بدهند وقتی در نظر بگیریم که جمعیت روستائی ما چندین برابر جمعیت شهری ما هست و تقریباً ۶۵٪ از جمعیت مادر روستاها زندگی میکنند ۵۰٪ از ۶۰٪ و ۹۰٪ از بقیه این مقدار رقم بسیار غیر منصفانه ای را تشکیل میدهد این برنامه ریزی هدفها و اصول انقلاب را تعریف نمی کند باید دنبال آزاد کردن جمعیت روستائی در میان را هم بهمان

نسبت به طرفش سوق بدهیم و آموزش را بهمان نسبت بطرفش سوق بدهیم (صحیح است) برای اینکه ناسعدی از فصلی به فصل دیگری اشاره کنم تا شاید پاسخ این محبت همکاران که به این میزان حوصه کردند باشند لازم میدانم در مورد راهها مطالبی را عرض برسانم و هر این قسمت باید بحکم وظیفه نمایاندم که خود نسبت به مردم حقیقتاً مهربانان عمل بسکنم و مشکل بزرگی را که آنها دارند در اینجا عرض بدارم راههای آذربایجان غربی بطور کلی مشمول لطف برنامه ریزان و مهربان برنامه سوم نشده بود و هر يك از این راهها درست در مرز است یعنی در مرز تقسیمات کشوری آذربایجان غربی با بایان رسیده شاهره ای که در غرب کشیده شده بود تا سقز بیشتر ادامه پیدا نکرد و امتداد آن نه تنها يك راه اسفالتی نیست بلکه يك راه فراموش شده قدیمی است و بهمین ترتیب راه تبریز بازرگان هم نادوراهی او اوغلی بیشتر امتداد پیدا نکرد بنابراین این فاصله بدترین راههای کشور را دارد که نه تنها اسفالتی نیست بلکه مراقبت و دقت کافی برای نگهداری معمولی این راهها هم بعمل نمی آید يك وقت از مسئولین سؤال کردم و گفتم چرا این راهها به این شکل دریا به دریا همه جا راههای خاکی دیده ایم ولی اینطور نیستیم برسیدم دلیلش چیست؟ گفت از روی این راهها کامیون در میشود مثل اینکه باید از روی راه يك اشیاء سبک وزنی را حمل بدهند که برای صدمه نرسد راه باید آن اندازه مورد مراقبت و تعمیر قرار بگیرد که کامیون از رویش رد بشود راه برای این است در هر حال امیدوارم روی ناامیدی که می‌آید آن سامان در مسئله راهشان پیدا کردند خیلی خوشبین هستند که در آغاز برنامه چهارم بلافاصله راههای آن استان را درست داده بشود و در دست ساختمان قرار بگیرد این سامان که من میخواهم استدعا کنم از حال تازمانی که این راهها بطور فنی ساخته بشود لاف در مورد مراقبت راههای مردم گوش لازم بعمل آید که بتوانند مسافرین و وسایط نقلیه آن آمدم و رفت داشته باشند بنا بر این ساختن این راه که البته شنیده ام که در برنامه چهارم هست همانطور که در برنامه سوم بود و امیدوارم که در آینده گفته نشود که در برنامه پنجم هست همانطور که در برنامه چهارم هم

بود به حال در مورد تخصیص این اعتبارات اختیار داده شده است که سازمان برنامه رأساً سال بسال انجام بدهد یکبار دیگر باید به این امر توجه بکنیم که ممکن است لازم بشود که اعتباری را تقلیل بدهند بسیار خوب اما خود این تقلیل هم باید بنسبت تمام برنامه ها تقسیم بشود نه اینکه پنج درصد راه فلانجا را تقلیل بدهند اعتبارش را ۰.۹۵٪ تقلیل بدهند از آذربایجان غربی این صحیح نیست و این عملی که صحیح نیست در برنامه سوم انجام گرفت در مورد تقلیل اعتبارات در مواردی که لازم است باید ضوابطی محفوظ بماند که سبب اشکال نشود در آذربایجان غربی راههای بسیار مهم دیگری هست راه بسیار مهمی بین مهاباد و سردشت هست که من خصوصیت این راه را عرض میکنم ۱۲۰ کیلومتر طولش میباشد و ۷ ساعت باید آن را بيمود یعنی مطلقاً شرایط فنی در ساختمان این راه هیچوقت رعایت نشده ۱۲۰ کیلومتر طولش است و ۷ ساعت باید بيمود و شش ماه از سال بدلیل عدم تطبیق وضع این راه با خصوصیات فنی غیر قابل عبور و مرور است در آن سوی این راه سردشت سرزمین بکرو دست نخورده است با تمام مواهب طبیعی و با يك شرایط اقلیمی مدیترانه ای (صحیح است) و این راه در آن سوی این سرزمین آباد و سرسبز و پر استعداد است که میتواند یکی از مراکز تولید میوه در ایران باشد در پشت این راه ۱۲۰ کیلومتری که باید در هفت ساعت در شرایط مساعد جوی طی بشود از دسترس دور مانده میگویند برای این راه تدبیرهایی در نظر گرفته شده و خوشحال هستم که می‌شنوم که توجه شده که برای سردشت دو راه خواهند ساخت یکی از راه خانه سردشت و یکی از راه مهاباد سردشت ولی امیدوارم در موقتی که میخواهند اعتبارات را بدلیل موجهی تقلیل بدهند بدلیل دوری راه آن کسی که در سردشت نشسته و به هیچ سازمان دولتی در مدت ۶ ماه دسترسی ندارد حق او را در درجه اول اولویت ندهند که تقلیل بدهند (صحیح است) رشته مسائل بخصوصی در آذربایجان هست که به این مسائل حلاً خواه مسائل منطقه ای خواه مسائل بعنوان مهمترین مسائل مرزی باید توجه مخصوصی



مبدول بشود اگر میخواهد بدستان را ببخش خصوصی انتقال بدهید دستانهای بیشتری بسازید و این هم تطبیق میکند با آن عدد ۱/۹ من به آن مسأله کاری ندارم ولی باید بدستان و کود کستان مناطق مرزی شامل استثنائاتی بشود (صحیح است) در این مناطق لازم است بدستان و شاید دستانهایی که اجازه داشته باشند از سنین جلوتری کودگان را بپذیرند چون من اگر بگویم که کود کستان هم بسازید فوری خواهند گفت نخیر ۱/۹ خراب میشود ما کود کستان را گذاشتیم که بخش خصوصی بسازد ولی اینجاست دستانهایی بسازید که يك خورده هم کود کستان باشد برای اینکه معلم بتواند زودتر با کودگان در تماس باشد زودتر بتواند به آنها تعلیم بدهد کسانی که در آن منطقه زندگی میکنند توجه میکنند به اشاراتی که در این مسأله هست (صحیح است) (یزشکیور - در تمام توار مرزی باید اینطور باشد) این را البته همانطور که اشاره فرمودند بدون شك مسأله ایست در گرداگرد ایران در قسمتهای مرزی يك ضرورت حیاتی است (صحیح است) بیمارستانهای این مناطق باید تابع چنین اولویتی باشد مراکز درمانی این مناطق باید تابع این اولویت باشد در تمام این مناطق سیاست رفاهی فوق العاده اعلام بشود و بموقع اجراء در بیاید راهها باید در منتهای درجه اهمیت تلقی شود و هرگز بهیچ دلیل از اعتبارات راههای این مناطق کاسته نشود شاید بسیاری از مسائل هست که نمیتوان به آن بطور دقیق و آشکار پرداخت ولی در این مناطق بخصوص مسأله وجود دارد که ایجاب میکند توجه بیشتر و علاقمندی بیشتری باشد و عبارت دیگر باید بگوئیم این نسل قسمتی از تاوان مسامحه و سوء عمل نسلهای قبلی را باید جبران کند (صحیح است) البته یادداشتهایی تهیه شده است تا مطالبی را فهرست وار در اینجا متذکر بشوم قسمتی از آن باقی مانده ولی من امیدوار هستم که پارهای از این بحثها را بتوانم در کمیسیون با دقت بیشتری به آن بپردازم (روحانی - لایحه بودجه هم هست) بهر حال قسمتی از آن تا که بر باقی میماند چون مسأله برنامه و بودجه پیوند دقیقی با هم دارند قسمتی از آن باید تاگزیر باقی بماند که در قسمت بودجه بر عرض برسانم (احسنت)

رئیس - آقای دکتر مهدب بفرمائید.

دکتر مهدب - با اجازه همکاران محترم چند ساعت است که بحث درباره برنامه چهارم ادامه دارد بعضی از همکاران محترم عده ای از حزب اکثریت صحبتهایی کردند که مسلماً برای هر کدام از ما بنوبه خودش آموزنده و روشن کننده وضع برنامه بود در عین حال بعضی از دوستان ما در احزاب دیگر فرمایشاتی کردند که آنچه که صحیح بنظر ما میرسد تأیید میگردیم و آنچه هم که بنظر بنده صحیح برسد اینجا عرض خواهم کرد آنچه هم بنظر شخص بنده ممکن است احیاناً ابهام یا ابهاماتی ایجاد کرده باشد باید سعی بشود که این ابهامات از بین برود بنابراین تا در يك جبهه شروع به قدم گذاری کردیم و در يك جبهه کام بر میداریم و در يك جبهه کار میکنیم و آن جبهه مملکت پرستی و شاه دوستی است (صحیح است) - هیچکدام از ما واقعاً خلاف از این چهارچوب حق و حقیقت نیستیم منتهی مسائل از دیدهای مختلف مورد بررسی و سنجش و نظارت قرار میگیرد و با این وضع بنده هم چند کلمه ای مصغ هم بکاران عزیزم میگویم از لحاظ اصل برنامه بنده خیال میکنم اینجا صحبت شد که برنامه بر نامه سنگینی است رشادت خاصی برای يك دولت حزب بود که بتواند چنین برنامه سنگینی را تقدیم مجلس بکند و قدرت در تقسیم این برنامه و تقدیم به این مجلس دلیل رشادت و فداکاری و از خود گذشتگی دولتی است که امروز مصدر خدمت در این مملکت هست مسلماً همه ما معترفیم که بعد از انقلاب بزرگ اجتماعی ملت ایران يك راه جدیدی در پیش گرفت و مسلماً به نمر رساندن کامل انقلاب فداکارانه زیادی میخواهد از همان نوع فداکاری که الان آقای دکتر عاملی هم صحبت کردند در اینجا بنده صد درصد موافق جناب دکتر عاملی که ما در زمانی زندگی میکنیم که این زمان ایجاب فداکاریهای خاصی را میکند در زمانی زندگی میکنیم که متأسفانه با خوشبختانه وظیفه سنگین نوسازان ایران را به عهده گرفته ایم این وظیفه سنگین لازمی است فداکاری و از خود گذشتگی است که بشود این برنامه را نحو مؤثری به مرحله اجرا در آورد و به پیش رفت چند

از دوستان مشترك وقتی صحبت کردند صحبت از برنامه اول و برنامه دوم و تاحدی از برنامه سوم شد مسلماً میدانیم برنامه اول در دوام قبل از انقلاب اجتماعی ما بود و بنابراین اوضاع زمان آن روز خوب ایجاب نمیکرد که اگر برنامه هم خوب تدوین شده باشد بتواند به مرحله اجرا در بیاید در واقع آنوقت همانطور که ضمن فرمایشات جناب آقای یزشکیور عرض کردم تمامشان کاملاً منویات پادشاه مملکت را درك نمیکردند اگر هم منویات پادشاه را درك میکردند مجلسی را نداشتند که همکاری بکنند و این منویات را به مرحله اجرا بگذارند (صحیح است) اکثریت مجلس آن روز را عده ای تشکیل میدادند که بیشتر منافع خصوصی یا منافع خاصی را در نظر داشتند مگر لایحه تقسیم املاک بزرگ در ۱۳۳۹ به توسط يك دولتی که شاید واقعاً خدمتگزار هم بود (مصطفوی - دولتی خدمتگزار بود) و مسلماً هم بود تقدیم مجلس نشد؟ پس با نیت با کی لایحه تنظیم شد و تقدیم مجلس هم شد ولی از مجلس آن زمان چه بیرون آمد؟ بنده جمله ای میخواهم که در کتب انقلاب مفید است بصورتی در آمد که بکلی ناقص هدف و منظور طرح بود؛ بنابراین آن وضع زمان آنوقت بسا بودن عوامل مختلف ارتجاع با بودن آن مجلس با بودن فتوای ائمه نمیشود توقع داشت که برنامه های اول و دوم صد درصد به مرحله اجرا گذارند نه باشد چنانچه مؤثر واقعاً نشد جناب یزشکیور همکار عزیز بنده در باره کشاورزی و عدم اجرای برنامه کشاورزی در برنامه سوم تذکر فرمودند در همان وقت جناب دکتر عاملی یادداشتی فرستادند که تذکر دادند این عدم توفیق چهار درصد که در اول برنامه سوم در نظر گرفته شده بود در نتیجه عواملی چهار درصد شد و آمد به دودر صد یاب به سافه آن دو سه سال گذشته نمیکنم ولی صحبت از این بکنم که بعد از اجرای اصلاحات ارضی متأسفانه يك طایفه خرد مالکین و دهقانان حاصل شد و لازم بود که این خلاء با زمان و حوصله پر بشود بنابراین در همین دوران برنامه سوم بود که از طرف دولت کوشش شد که این خلاء تاحدی پر بشود بنابراین دوره برنامه سوم را بنده

شخصاً از نظر کشاورزی يك دوره کشاورزی زیر سازی برای برنامه چهارم میدانم و امیدوار هستم که نتوانم این رشد پنج درصد بلکه بیشتر از پنج درصد برای برنامه چهارم ایجاد بشود و بنده شخصاً عقیده دارم که جناب یزشکیور حتی این دودر صد که ایجاد شد شاهکار دولت است با این وضعی که حضورتان عرض کردم (یزشکیور - من چنین عقیده ای ندارم) با تمام این تفصیل در همین کتابی که در حقیقت راهنمای ما از لحاظ تصویب این قانون است در صفحات مختلف بخصوص صفحه ۱۵۴ تا ۱۶۲ صحبت از توفیق در امر کشاورزی در برنامه سوم است که بنده خواهش میکنم دوستانی که ابهامی در این مطالب دارند به این کتاب و این صفحات بنگرند عرض کردم مراجع کنند بخصوص نسبت به پیشرفت برنامه سوم از لحاظ آبیاری توجه بفرمائید ما نمیتوانیم آب را از کشاورزی یا خاک را از کشاورزی جدا کنیم و اما همانطور که تذکر داده شد کشاورزی يك بحث بسیار مهم و يك اصل بسیار حساس در زندگی ما هست مسلماً يك مملکتی مثل ما نباید توجه خاصی به کشاورزی داشته باشد و بنظر من این توجه در برنامه چهارم کاملاً شده اعتبارات کشاورزی، دامداری خودش يك رقم عمده است که بر این رقم نباید اضافه بشود اعتبارات مربوط بآب که فصل علیحده دارد اگر حساب کنیم کشاورزی آب و خاک نیست بلکه راه فرعی هم میخواهد و سایر عوامل سازندگی لازم دارد باین نتیجه میرسیم که در برنامه چهارم بزرگترین رقم برای کشاورزی مملکت تخصیص داده شده (یزشکیور - آقای دکتر مهدب پس باین کیفیت تمام اعتبارات کارهای دیگر را بحساب کشاورزی میگذارید) شما در برنامه عمرانی اگر توجه بفرمائید مسلم برنامه های عمرانی مثل زنجیرید بهم وصلند منتهی بعضی مستقیم ارتباط دارد بعضی غیر مستقیم، آب يك عامل مستقیم کشاورزی است جناب آقای یزشکیور شما استاد من هستید بهتر از من میدانید بهمین دلیل بود که بنده اضافه کردم فصل مربوط به اعتبارات و دامداری که اعتباراتی غیر مستقیم است (احسنت) ابزادی گرفتند نسبت به فرم لایحه جناب آقای یزشکیور فرمودند این لایحه است

کتاب است دفترچه است جزوه است و بسیار جالب بود  
نظر بنده این يك راهنامه است در بررسی این لایحه  
اگر این نبود وظیفه هر نماینده بود که نظر من برود  
در کتابخانه و در سازمان برنامه پرونده برنامه‌های اول و  
دوم و سوم مملکت را بخواند بررسی کند و به بیند چه  
عواملی در تأثیر و عدم تأثیر برنامه‌های مامور بوده و بعد  
بباید این برنامه را بررسی بکند و راجع به این لایحه  
صحبت بکند بنده سیاست‌گذارم از سازمان برنامه که  
لااقل کار شخصی بنده را يك مقدار راحت کرد میگویند  
لین آمار و ارقام این جور بود و ما ارقام اعتباراتمان را  
در این راه تخصیص میدهیم بنده خیال میکنم برنامه  
ریزی اصولاً جناب پزشکپور يك فلسفه است يك تز جدید  
است اصولاً فلسفه برنامه ریزی زیاد از عمری در دنیا  
نمیگذرد شاید واقعاً بعد از جنگ دوم بود که توجه به  
برنامه ریزی و فلسفه برنامه پیدا شد و شاید  
یکی دو کشور بودند قبل از جنگ دوم که  
توجه به برنامه داشتند و قانون اساسی اغلب  
کشورها اسم وزارت دارائی و وزارت جنگ و  
و امثالهم را میبینید ولی صحبت از سازمان برنامه نیست  
و بهمین دلیل است که قانونگذاری هنوز در بسیاری از  
کشورها از لحاظ برنامه ریزی مبهم است من یادم است  
جناب پزشکپور يك کنفرانسی ما داشتیم کنفرانس  
بین مجالس موضوعیکه در دستور بود همین موضوع بود  
آموذوق در باب وظیفه قانونگذاری در برنامه بود و آخر کار ۷۰  
نماینده از ۷۰-۸۰ کشور نتوانستند يك تصمیم قطعی بگیرند  
بنابر این ملاحظه میفرمائید با توجه با این وضع خاص باید قبول  
کنیم که ما هم در آن مرحله هستیم که دیگر کشورها  
هستند ولی ما پدید برنامه را قبول کردیم ولی اینجا از  
این لحاظ برنامه‌آنجیزی که مورد بحث قرار میگیرد در  
جلسه علنی که آیا ما برنامه میخواهیم یا نمیخواهیم  
برای این موضوع میشود صحبت کرد که ما برنامه ۵  
ساله میخواهیم یا ۱۰ ساله این اعتبارات این برنامه از  
کجا تأمین میشود و آیا دستگاه اجرا کننده این برنامه  
کیست؟ با سازمان برنامه باید بکستگاه مستقل باشد  
یا اینکه فرض بفرمائید جزء نخست وزیری این بستگی

است که در این لایحه یعنی آنچه که تقدیم مجلس شده است  
و بحث در این لایحه در جلسه علنی شایسته ...  
**پزشکپور** - لازم نیست معلوم باشد که برای چه  
چیز خرج میشود یا خیر؟

**دکتر مهذب** - اما از لحاظ سایر موارد یعنی اجرای  
اعتبارات باید توجه بکنیم میگوئیم اجرای این  
اعتبارات با يك برنامه ۴ یا ۵ ساله یا ۱۰ ساله ممکن  
است قابل تغییر باشد عواملی که ما در این دنیا زندگی  
میکنیم قابل تغییر است، سیاست بین المللی اقتصاد  
بین المللی و هر عامل دیگر که ممکن است بیشتر نیاید  
ممکن است قانون بگذارند برای اجرای يك قانون  
خاصی و بعد در اثر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی،  
بین المللی جمعیتی لازم است پیش بیاید مشکل است از  
همین جهت است که چهارچوب سیاست برنامه از لحاظ  
قانونگذاری مورد تصویب قرار میگیرد (پزشکپور -  
این لایحه سازمانی برنامه چهارم است منهای هدفها و  
اصول کلی هدفها) ما فلسفه‌اش را مورد بررسی قرار میدهم  
اصول و هدفها بنحوی که آمده سازمان برنامه و کمیسیون  
برنامه قدم بالاتر از آن گذاشتند و گفتند لازم است که  
مقداری از این اصول و هدفها را بررسی و تأیید و  
تصویب بکنیم یعنی باز هم قوه قانونگذاری بر آن صحه  
بگذارد و این نظر قوه قانونگذاری است از لحاظ سازمان  
برنامه است که نتواند خیلی از اینها را تغییر بدهد بنابر این  
این منتهی است که کمیسیون برنامه بر سازمان برنامه و  
بالعکس گذاشته شد ولی اگر هم نمیشد نظر بنده اشکالی  
نداشت چرا؟ برای اینکه ما فلسفه کلی برنامه را مورد بررسی  
قرار میدهم اگر دولت در اجرای متوبات مجلس اشتباه  
بکند جناب پزشکپور جناب دکتر عالمی یا هر يك از  
نمایندگان دیگر میتوانند از پشت این تریبون از  
دولت سؤال بکنند و این دولت هم گفته که ما  
عاشق افکار خودمان نیستیم (صحیح است)  
بهمین دلیل است که بنده در اوایل عرایض این  
عرض کردم من مستفیض شدم از فرمایشات شخص  
شما در مرحلای شخص و دکتر عالمی و سایر دوستان ولی  
این دلیل نیست که تمام آنها مورد قبول همه ما قرار بگیرد

که اینک عرایض بنده ممکن است مورد قبول جنابعالی  
قرار بگیرد.

**پزشکپور** - چون جنابعالی در حزب پان ایرانیست  
تشریف ندارید (خنده نمایندگان).

**دکتر مهذب** - از این لحاظ همه پان ایرانیستیم و  
بنابر این پیشنهاد اینکه جناب پزشکپور فرمودند که این  
دولت نباید بمجلس ...

**پزشکپور** - فرمودید که این لایحه هست یا نیست؟  
**دکتر مهذب** - من والله چشمم از دور يك خورده  
نمیبیند و نمیتوانم حتی از دور قیافه مبارک شما را ببینم  
بنابر این پیشنهادی که شد که دولت لایحه را پس بگیرد  
اصولاً با فلسفه برنامه ریزی با فلسفه و سیاست برنامه در  
هیچ کجای دنیا مخالفت ندارد. بحث دیگری شد با حدت  
شدت خیلی زیاد تر در خصوص دارائی ملی (پزشکپور -  
سرمایه ملی) بله در خصوص سرمایه ملی و مثالی زده شده  
سیار صحیح، صد درصد مورد قبول همه مسلم شاهنشاهی  
ایران متعلق بیك تیره معین، يك نسل معین با يك جمعیت  
معین نیست شاهنشاهی ایران همانطوریکه فرمودند  
متعلق بگذشته و آینده است چنانچه نفت هم بهمین وضع  
است چنانچه جنگ هم بهمین وضع است در اینجا فرمایشات  
پدر در صدمه مورد تأیید است و هیچ بحثی در آنها نیست ولی  
فکر میکنم که دولت حزبی این فرمایش جناب پزشکپور  
باعتلا سعی میکنند که بمرحله اجرا در آورند برای اینکه  
مبنی درآمد ۱۰۸۰ درصد نفت و صد درصد درآمد گاز  
مرف سرمایه گذاری میشود که نسل آینده و نسلهای آینده  
سفاده کنند یعنی من نسل فعلی میکوشیم فدای کاری میکنیم  
بچه میکنیم خودمان را محروم میکنیم از بسیاری از عوامل  
زندگی برای اینکه راه سعادت بهتری برای نسلهای آینده  
بکنیم و بنابر این ما در حقیقت امانتی را که بدست  
گرفته ایم سعی میکنیم بهتر و بیشتر بدست نسل آینده بدهیم.  
**دکتر مهندس بهبودی** - ممکن است آن محرومیتی  
که میفرمائید توضیح بدهید؟

**دکتر مهذب** - آنرا خصوصی خدمتتان عرض خواهم  
کرد (خنده نمایندگان) (صحیح است - آفرین) اما صحبت  
نشدن پلی است مسلماً آمار يك مقداری حقیقت دارد

و اگر به آمارهای گذشته دو سه سال توجه بکنیم رشد  
ملی ما در این چند سال در حدود ۱۰٪ است و اگر  
جناب آقای دکتر عالمی از این ۹٪ و با ۱۰٪ صحبت بنده  
را مورد اعتراض قرار ندهند ما پیدوار هتم که در عرض ۵ سال  
۹/۵ درصد یا ۱۰٪ بدآمد ملی اضافه شود یعنی رشد ملی مادر  
حدود ۴۵ دلار در سال یا قریب سه هزار تومان میشود این را باید  
همکاران محترم توجه بفرمایند از لحاظ تعریف رشته  
اقتصادی يك مملکتی در حال رشد است که از لحاظ تعریف  
اقتصادی درآمد ملیش بیش از ۳۰۰ دلار بشود پس ما الآن  
در آن مرحله توسعه قرار گرفته ایم و امیدوار هستیم بعد از  
۵ سال با يك رشد اقتصادی کامل و يك درآمد ۴۰۰ دلار جزء  
کشورهای پیشرفته دنیا بحساب بیائیم و اگر واقعاً بتوانیم  
این کار را بکنیم بزرگترین قدم را برای نسلهای آینده  
برداشته ایم و آنوقت است که میتوانید در آن مملکت بیشتر  
بهره برداری بکنید و مسلماً ما از این افت در جنبه‌های  
تجمل و تجمل پرستی استفاده نمیکنیم بلکه سعی میکنیم واقعاً  
دندهای اساسی سرمایه گذاری بشود ما متأسفانه همانطور  
که عرض کردم وارث ناسامانیها وارث کج سلیقگی ها وارث عدم  
مدیریت صحیح و وارث هرج و مرجهای گذشته هستیم این  
دوران که ما در آن زندگی میکنیم واقعاً بسیار دور آن سخنی  
است اگر گذشتگان ما در گذشته آنطوریکه ما در این  
دوره کوشش میکنیم با این محیط برایمان فراهم هست  
برایشان فراهم بود مسلماً ما در وضع بسیار بهتری زندگی  
میگردیم بنابر این آن کاری که آنها باید میکردند بعهده  
ما گذاشته شده ما باید هم راه خودمان را برویم و  
هم خیران قصور و خطاها و اوضاع آنوقت آنها را  
بکنیم و متأسفانه باید اقرار کنیم که از فاصله تمدن  
غیب ماندیم ما باید اقرار کنیم که آن غرور ملی ما،  
غرور ایرانی ما، غرور شاهنشاهی ما تا چند سال قبل  
دستخوش تردید شده بود ایکنش واقعاً گذشتگان ما وضع  
بهتری برای ما ایجاد میکردند ...

**پزشکپور** - هرگز غرور شاهنشاهی ما و ایرانی  
بودن ما برای ما پان ایرانیست ها دستخوش تردید نشده  
بود.

**دکتر مهذب** - اجازه بدهید بکمر تبه خدمتتان  
عرض کنم موقعیکه بنده خودم در فرنگستان بودم ۱۰ -

دکتر مهذب - اگر اجازه بفرمائید مطالب بنده  
مفصل است.

### ۶- تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - با اجازه خانمها و آقایان چون وقت تمام  
شده دنباله مذاکرات آقای دکتر مهذب در کلیات لایحه  
برنامه چهارم عمرانی کشور بجلسه فوق العاده بعد از ظهر  
امروز موکول میشود، بنابراین جلسه را ختم میکنیم جلسه  
آینده ساعت چهار و نیم بعد از ظهر امروز خواهد بود.

(یک ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مهندس عبداللّه ریاضی

۱۵ سال قبل شرمندہ بودم کہ بگویم من ایرانی ہستم.

بزشکپور - خجالت نداشت.

دکتر مهذب - این صحبت را روزی در همین مجلس  
کردم کہ وقتیکہ ...

بزشکپور - چرا خجالت میکشید بدانرا نی بودن کہ  
خجالت نداشت (زنک رئیس).

دکتر اسفندیاری - وقت تمام است آقای رئیس.

رئیس - آقای دکتر مهذب از بیانات شما خیلی

باقیمانده است؟